

## ستره محکمه‌ی فیس بوک

من گاهی فکر می‌کنم که اگر فیس بوک یا به عالم هستی نمی‌گذاشت، ما خبرهای خود را از کجا می‌گرفتیم و قضاوت‌های عمیق‌مان را به کجا می‌بردیم. حالا مردم رسماً از همدیگر می‌پرسند «در فیس بوک چه خبر؟». چندی پیش کسی اطلاعیه‌ی اشک‌آوری چاپ کرده بود درباره‌ی سفر نابهنگام یکی از بزرگان. سفر نابهنگام را که می‌دانید؛ منظور همان شتافتن به جهان باقی است. اسم آن جناب...

صفحه 3

پانزده سال  
در کورهی گداز افغانستان

این جا، این روزها حس پایان یک دوره وجود دارد. چرخ‌های نظامی در هوا سروصدا می‌کنند و مقام‌های امریکایی و افغان را از طریق هوا، به‌جای قبول خطر موترهای بمب‌گذاری شده در جاده‌ها، انتقال می‌دهند. موانع کانکریتی در اطراف هر سفارت و ساختمان دولتی، که حفاظی در برابر حملات انتحاری...



عزیزی بانک جایزه بهترین بانک تاثیر گذار اجتماعی در افغانستان (Best Social Impact Bank Award 2016) را از جانب

اداره بین المللی سرمایه مالی (Capital Finance International) و جایزه بهترین بانک نحوه مدیریت و قانونمند

(Best Governed Bank Award 2016) را از جانب اداره بین المللی تلاش برای پیشگام بودن

(Quest on the Frontier) را در شهرهای لندن و دویی بدست آورد.



www.azizibank.af

1515



## جنرال بدفکر افغانستان

اظهارات اخیر جنرال عبدالرازق فرمانده پولیس ولایت قندهار مبنی بر مجاهد خواندن ملا دادالله و ملا عمر و همچنان انتقاد او از گفته‌های شماری از چهره‌های سیاسی و جهادی مورد نكوهش و نقد بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت. جنرال رازق ضمن انتقاد از جبهه‌ی شمال، هشدار داد که اگر به سخنان‌شان در مورد جهاد و انحصاری کردن آن پایان ندهند، مردم لوی قندهار، لوی ننگرهار و لوی پکتیا در مقابل آن‌ها خواهند ایستاد. این اظهارات جنرال رازق در یک کلیپ ویدیویی پس از آن منتشر شده است که در مراسم پنجمین سالگرد ترور برهان‌الدین ربانی یکی از اشتراک‌کنندگان برنامه شعار مرگ برکزی و مرگ بر طالب سرداد و جمعی نیز به دنبال او شعارهایش را در حضور کرزی تکرار کردند. ظاهراً دلیل اصلی اظهارات جنرال رازق نیز واکنش...

## تکیه بر گنگسترها

(از عصمت مسلم تا)

عبدالرازق - قومندان امنیه قندهار)

...نادرخان نورزی - کلان نورزی‌ها - برای مقابله با قدرت جدید اچکزی‌ها، در بدل سلاح و حمایت، دختر نوجوان‌اش را به یونس خالص داد. نزدیکی نورزی‌ها به جهادی‌های رقیب و مورد حمایت ای‌اس‌ای از یک‌طرف، نگرانی پاکستان از قاچاقبری مسلم و نزدیکی سستی اچکزی‌ها به کابل از طرف دیگر، فشار ای‌اس‌ای بر عصمت را بیشتر کرد. او برای حفظ قدرت و سلطه‌اش بر اسپین بولدک در سال ۱۹۸۴ به دولت کابل پیوست، و قدرتمندتر از قبل شد، تا این‌که در سال ۱۹۸۸، نیروهایش را مجاهدین به‌رهبری...

صفحه 4



## خدمات آهنگ بعدی از افغان بیسیم

30

دقیقه

به بهترین آهنگ‌های  
دلخواه تان گوش دهید

در بدل 3 افغانی

همین حالا به شماره 6060 به تماس شوید

مدت اعتبار: یک روز

برای لغو اشتراک: در پیام off و یا stop نوشته و به 6060 ارسال نمایید

ارتباط دهنده افغانستان  
Connecting Afghanistan

HD VOICE



@myawcc

www.afghan-wireless.com

152





دوشنبه  
۱۲ میزان  
۱۳۹۵  
سال پنجم  
شماره ۱۱۵۷

## یادداشت روز

### جنرال بد فکر افغانستان

اظهارات اخیر جنرال عبدالرازق فرمانده پولیس ولایت قندهار مبنی بر مجاهد خواندن ملا دادالله و ملا عمر و همچنان انتقاد او از گفته‌های شماری از چهره‌های سیاسی و جهادی مورد نکوهش و نقد بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت. جنرال رازق ضمن انتقاد از جبهه‌ی شمال، هشدار داد که اگر به سخنان‌شان در مورد جهاد و انحصاری کردن آن پایان ندهند، مردم لوی‌قندهار، لوی‌ننگرهار و لوی‌پکتیا در مقابل آن‌ها خواهند ایستاد.

این اظهارات جنرال رازق در یک کلیپ ویدیویی پس از آن منتشر شده است که در مراسم پنجمین سالگرد ترور برهان‌الدین ربانی یکی از اشتراک‌کنندگان برنامه شعار مرگ برکزی و مرگ بر طالب سرداد و جمعی نیز به دنبال او شعارهایش را در حضور کرزی تکرار کردند.

ظاهراً دلیل اصلی اظهارات جنرال رازق نیز واکنش به رفتار هواداران حزب جمعیت و سخنان شماری از مقامات بلندپایه‌ی این حزب بود. اما دلیل این اظهارات هر چه باشد، مسئولیتی از دوش جنرال رازق کم نمی‌کند. جنرالی که به دلیل سیاست‌های ضدطالبانی‌اش تا چند روز قبل محبوب بود و از قدرتمندترین مقام‌های امنیتی و بدون شک قدرتمندترین فرمانده پولیس افغانستان به حساب می‌آید. جنرال رازق به دلیل این‌که یک عضو ارشد نیروهای امنیتی کشور است بایستی از جبهه‌گیری‌های سیاسی دوری کند و رفتارش مطابق به قانون و در چارچوب لوایح کاری نیروهای امنیتی باشد. اما اظهارات او بر خلاف تمامی قوانین نظامی و مسئولیت رسمی‌اش بود. او آشکارا از شروع یک جنگ داخلی حرف زد و از شاهان گذشته به نیکی یادکرد و مجاهدین را به بلزبانی گرفت.

اظهارات خلاف قانون، غیرمنطقی، احساساتی و قومی جنرال رازق نشان داد که این جنرال خوشنام و پر قدرت در شأن خودش فکر نمی‌کند و عملکردش به عنوان یکی از جنرالان کشور ناسنجیده و خام است. درحالی‌که جنرال رازق یکی از فرماندهان محبوب پولیس در سراسر افغانستان بود، اظهارات اخیرش باعث بدبینی بسیاری‌ها نسبت به او شد. هرچند که ممکن است بخشی از جامعه‌ی قبیله‌ی افغانستان به دلیل این اظهارات از او استقبال کند و بیشتر طرفدارش شود، اما شک و وجود ندارد که جنرال رازق با این اظهارات محبوبیتش را به قمار زد و با چند سخن ناسنجیده و بدون فکر وجه‌اش را در میان مردم افغانستان تخریب کرد.

در جامعه‌ی قومی افغانستان و در میان مردمانی که گرفتار قوم‌گرایی و هوادار سیاست‌های قومی‌اند، افراد اندکی می‌توانند در حد و حدود جنرال رازق محبوبیت مردمی و ملی کسب کنند. جنرال رازق برای رسیدن به چنین محبوبیتی در برابر گروه‌های تروریستی قربانی داده و زندگی‌اش را روی دستش گذاشته و در یکی از نام‌ترین ولایات افغانستان تا آن‌جا جنگیده است که آن ولایت، حالا یکی از ولایات امن‌تر افغانستان است. اما چرا جنرالی که چنین جایگاهی داشت، یک‌شبه اعتبار اجتماعی و مردمی‌اش را چنین به قمار بزند و از یک جنرال محبوب و ملی به یک جنگجوی قوم‌گرا و قبیله‌گرای در پی جنگ داخلی سقوط کند.

افزون بر پیامدهای شخصی سخنان جنرال رازق، او یک فرمانده نظامی است و محدود به قانون. هیچ فرد نظامی که در چارچوب نیروهای امنیتی افغانستان وظیفه اجرا می‌کند، نمی‌تواند فراتر از قانون عمل کند و قوانین نظامی را نادیده بگیرد. سخنان جنرال رازق از سمت فرماندهی پولیس ولایت قندهار، آشکارا خلاف قانون و غیرمسئولیتی بود. جنرال رازق با اظهاراتش از جنگ داخلی سخن گفت و رگ‌های قومی مردمان قندهار، پکتیا و ننگرهار را قفلک داد. اظهارات این چنینی توسط یکی از فرماندهان نیروهای امنیتی می‌تواند به نزاع‌های قومی و قوم‌گرایی در کشور دامن بزند. بدین‌لحاظ، جنرال رازق با سخنان نسنجیده و غیرمسئولیتی از یک‌طرف به شهرت خودش آسیب رساند و خودش را از جایگاه یک جنرال محبوب و ملی به یک جنگجوی قُلدر و قبیله‌ی پایین کشاند و از جانب دیگر او با اظهاراتش قانون را نقض کرد و عملکردش خلاف مقررات قانونی و نظامی بود.

آن‌چه که جنرال رازق بر زبان آورد، نشان‌دهنده‌ی این حقیقت بود که حکومت وحدت ملی بر خلاف شعار دور نگهداشتن نیروهای امنیتی از مسایل سیاسی، زمینه و بستر گرایش‌های سیاسی و قومی را در میان نیروهای امنیتی داغ‌تر کرده و توانایی کنترل بر مقامات بلندپایه‌ی امنیتی را ندارد.

حکومت بایستی در قبال سیاسی شدن جنرالان و هواداری آنان از جریان‌های سیاسی و قومی مواظب باشد و نظارت سختی بر مقامات امنیتی مبنی بر بازداشتن آن‌ها از قوم‌گرایی و سیاست‌ورزی قومی به اجرا بگذارد. وارد شدن مقامات امنیتی در بحث‌های قومی و جبهات داخلی سیاسی، عاقبت خوشی برای افغانستان نخواهد داشت. بی‌توجهی و غفلت حکومت نسبت به چنین اظهاراتی منجر به گسترش آن در صفوف نیروهای امنیتی خواهد شد و قوم‌گرایی را در میان نیروهای امنیتی افزایش خواهد داد.

# مخالفت صبغت‌الله مجددی با دادن امتیازات ویژه به حکمتیار در موافقت‌نامه‌ی صلح

**اطلاعات روز:** جبهه‌ی ملی نجات افغانستان به رهبری صبغت‌الله مجددی رییس دولت موقت مجاهدین مخالفت خود را با موافقت‌نامه‌ی امضا شده‌ی صلح میان حکومت و حزب اسلامی به رهبری، گلبدین حکمتیار اعلام کرد.

صبغت‌الله مجددی توافق صلح با حزب اسلامی را مخالف منافع کشور خوانده است. آقای مجددی از حکومت می‌خواهد که در متن این موافقت‌نامه باید تعدیلاتی بیاورد.

مجددی می‌گوید که مخالف دادن مصونیت قضایی و امتیازات ویژه به آقای حکمتیار است.

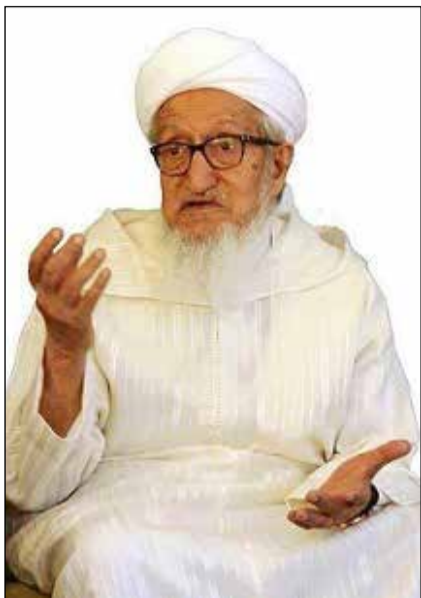
به‌باور آقای مجددی، گلبدین حکمتیار هیچ برانزنگی جهادی نسبت به دیگر احزاب جهادی ندارد و اشتباهات بسیاری را نیز مرتکب شده‌است و باید مانند رهبران احزاب دیگر با وی برخورد شود و نباید مورد احترام خاص قرار گیرد و امتیازات ویژه برایش داده شود.

ذبح‌الله مجددی، منشی عمومی جبهه‌ی نجات ملی گفته است: «اگر این توافق‌نامه عملی شود و مسأله‌ی مصونیت قضایی حق‌العبد مستثنی شود در غیر آن مردم آن را بی‌عدالتی تلقی می‌کنند؛ چون بیشتر مردم موقع نداشتند که در این توافق‌نامه نظر خود را بگویند.»

موافقت‌نامه‌ی صلح میان حکومت و حزب اسلامی که هفته‌ی گذشته امضا شد، تاکنون مخالفان و موافقان زیادی را به دنبال داشته است.

دادن مصونیت قضایی به آقای حکمتیار و دیگر اعضای حزب اسلامی از مهم‌ترین ماده‌های این موافقت‌نامه است که تاکنون واکنش‌های منفی را در پی داشته است.

اما شورای عالی صلح می‌گوید که موافقت‌نامه‌ی صلح با آقای حکمتیار بر بنیاد قانون اساسی افغانستان تنظیم شده‌است و به



آقای حکمتیار امتیازات ویژه داده نشده‌است.

## برنامه‌ی آزمایشی پرداخت معاشات کارمندان دولتی از طریق موبایل (ام- پیسه) آغاز شد

شرکت روشن گفت که علاوه بر چهار بانک؛ در فروشگاه‌های بزرگ نیز نمایندگی‌های خود را افتتاح خواهد کرد و کارمندان می‌توانند، مواد مورد نیاز خود را نیز با تخفیف مناسب خریداری کنند.

اکنون معاشات کارمندان دولتی به حساب‌های بانکی آنان انتقال می‌یابد و یا به‌صورت پول نقد به آنان پرداخت می‌شود.

به‌دلیل مشکلات درانتقال پول به مناطق نامن و یا نبود نمایندگی بانک‌ها در این مناطق و سایر روستاهای دور دست چالش‌های زیادی در پرداخت معاش کارمندان در سراسر کشور ایجاد می‌شود.

نجیب عزیزی، رییس تنظیم خدمات مخابراتی افغانستان (اترا) در این مراسم گفت که بانک مرکزی و وزارت مالیه (دارایی) افغانستان در این روند مشارکت دارند و مردم نگران ضایع شدن پول‌شان نباشند.

او گفت که با راه‌اندازی این خدمات هم از فرسودگی پول جلوگیری می‌شود و از طرف دیگر افغانستان از اقتصاد پول نقد به سمت پول الکترونیکی آهسته‌آهسته حرکت می‌کند.

خدمات تلفنی پول (ام- پیسه) دریافت کنند. او به کارمندان وزارت کار اطمینان داد که در این دوره‌ی آزمایشی، هیچ‌گونه پول اضافی در پرداخت معاشات از کارمندان گرفته نمی‌شود.

او از تمام کارمندان وزارت کار خواست تا این سیستم آزمایشی را جدی تعقیب نمایند و به هر مشکلی که در جریان اجرای معاشات نظر به خدماتی که از طریق سیستم (ام- پیسه) وعده داده شده است بر بخورند مقام وزارت را در جریان بگذارند.

با پایان این دوره‌ی آزمایشی و در صورت موفق بودن این برنامه، قرار است که حقوق ۵۰ هزار معلم نیز از طریق موبایل پرداخت و بعد حقوق صددرصد کارمندان دولت از طریق موبایل به آنان داده شود.

شرکت مخابراتی خصوصی روشن مسئولیت اجرای این طرح را به عهده دارد. نماینده‌ی شرکت روشن گفت این شرکت در زمینه‌ی تطبیق این برنامه با چهار بانک قرارداد دارد، کارمندان می‌توانند از هر کدام این بانک‌ها معاشات خود را بگیرند.

احمد شفیع شریفی، مسئول روابط عمومی

**اطلاعات روز:** برنامه‌ی پرداخت معاشات کارمندان دولتی از طریق موبایل (ام- پیسه) به‌صورت آزمایشی از وزارت کار و امور اجتماعی آغاز شد.

برنامه‌ی آزمایشی پرداخت معاشات کارمندان از طریق موبایل چهار ماه را در بر می‌گیرد که به گفته‌ی نسرین اورباخیل، وزیر کار و امور اجتماعی، پس از چهار ماه این سیستم ارزیابی می‌شود، اگر نتیجه‌ی مثبت داده بود در سراسر کشور تطبیق می‌شود و اگر «رضایت کارمندان حاصل نگردد، به شکل فعلی معاشات کارمندان توزیع می‌گردد».

خانم اورباخیل در مراسم افتتاح این سیستم گفت که با این کار میزان خطر در انتقال پول کاهش خواهد یافت و امکان انتقال پول به مناطق نامن میسر می‌شود.

او از اجراکنندگان این برنامه خواست که در دوره‌ی آزمایشی چهار ماهه، دقت لازم را برای جلب اعتماد مردم انجام دهند.

به گفته‌ی او، با انجام این کار نهادهای دولتی قادر به انتقال پول به تمام نقاط کشور شده و مردم می‌توانند پول نقد را از نمایندگی‌های

## رییس جمهور غنی از کمک یک میلیارد دالر بریتانیا برای افغانستان تشکر کرد

افغانستان کمک می‌کند، اما در نشست بروکسل احتمال دارد که بیشتر از این رقم را اعلام کند. رییس‌جمهور گفته است که کمک‌های بریتانیا و کمک‌کننده‌گان جهانی برای افغانستان به‌گونه‌ی شفاف در بخش‌های انکشافی و تأمین صلح و ثبات در کشور به‌مصرف خواهد رسید.

غنی دولت بریتانیا را شریک مهم بین‌المللی افغانستان دانسته که در ۱۵ سال گذشته در عرصه‌ی توسعه‌ی افغانستان کمک‌های ارزشمندی نموده‌است.

پیشر پرتی پاتل، مسئول توسعه‌ی بین‌المللی بریتانیا به روزنامه‌ی ایندپندنت این کشور گفته بود که بریتانیا قصد دارد ۷۵۰ میلیون پوند دیگر را به افغانستان کمک کند. او گفته بود که قرار است این مبلغ از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ برای کمک به ثبات افغانستان و بهبود وضعیت زندگی مردم به‌ویژه زنان به مصرف برسد.

اکلیل حکیمی، وزیر مالیه نیز دیروز در نشست استماعیه‌ی مجلس نمایندگان گفت که بریتانیا وعده شده که سالانه ۲۰۰ میلیون دالر به

**اطلاعات روز:** ارگ ریاست‌جمهوری می‌گوید که دولت افغانستان از اعلام کمک یک میلیارد دلاری بریتانیا برای افغانستان استقبال می‌کند.

دفتر مطبوعاتی ریاست‌جمهوری در اعلامیه‌ی نوشته است که رییس‌جمهور غنی از ترمزایی، نخست‌وزیر بریتانیا، حکومت و مردم آن کشور، به‌خاطر کمک یک میلیارد دلاری برای افغانستان قدردانی می‌کند و آن را مبین تقویت همکاری‌های دوجانبه، عزم و اراده‌ی دو کشور می‌داند.

### امنیت ملی:

### با بازداشت یک انتحاری از وقوع یک حمله‌ی خونین در جلال‌آباد جلوگیری کردیم

قبل به گروه تروریستی داعش پیوسته بود و بعد از فراگیری تعلیمات نظامی و استفاده از واسکت‌های انتحاری در عملیات‌های متعدد تروریستی و ضددولتی در مربوطات ولسوالی‌های اچین و ده‌بالا در ولایت ننگرهار سهم فعال داشته است.

داشت در یکی از نقاط مزدحم شهر جلال‌آباد خود را منفجر سازد، قبل از رسیدن به هدف بازداشت کرده است.

این شخص از ساحه‌ی هدیه کابل شهر جلال‌آباد توسط مؤظفین ریاست امنیتی شناسایی و بازداشت شده است. خبرنگار گفته است که این شخص چهار ماه

**اطلاعات روز:** ریاست عمومی امنیت ملی می‌گوید از وقوع یک حمله‌ی بزرگ و خونین انتحاری در شهر جلال‌آباد، مرکز ولایت ننگرهار، جلوگیری کرده است.

این ریاست با نشر خبرنامه‌ی گفته است جمیل‌الرحمان مشهور به یاسر فرزند سید علم، فرد انتحاری وابسته به گروه داعش، را که قصد



## خبرنگار ناراضه

هادی دریایی

### جنرال جنگی

باری یکی از شاعران بسیار غم‌غرد جهان که آثار بسیاری دارد به افغانستان سفر کرده بود. او در مورد بقیه کشورهای جهان شعر سروده بود و به افغانستان آمده بود که در مورد این کشور شعر بسراید و اطلش شعر کشورهای جهان را تکمیل کند. او که تقریباً یک سال در افغانستان ماند و در ولایات متعدد سفر کرد، بعد از یک سال این شعر را در وصف افغانستان سرود:

پریشان است این کشور  
به جای خون در شریان این کشور  
همیشه جنگ جاری است  
به جای نان و آب و چای  
سر سفره  
بمب و تفنگ جاری است  
به انبارها  
به مغز و فکر و کردارها  
به شعر و طنز و خبرها  
...  
پریشان است این کشور  
به حدی که  
به جای ساز در تفریح  
به جای دهل در سرگرمی‌های مردم این ملک  
هنوز هم جنگ جاری است  
سگ‌جنگی  
خروس جنگی  
کبک‌جنگی  
...  
به جای خون در شریان  
همیشه جنگ جاری است

\*\*\*

من زیاد از شعر و قریحه‌های شعری نمی‌دانم، اما با توجه به شعر این شاعر غم‌غرد بین‌المللی، شعر احتمالاً با زندگی‌ها و برنامه‌های روزمره هم سروکار دارد. مثلاً شاعر محترم در این شعر، از سگ‌جنگی، خروس جنگی و کبک‌جنگی گفته و به نحوی اعتراض کرده که این‌ها جزء تفریح‌ها و سرگرمی‌ها است که حضور جنگ را در زندگی انسان افغانستانی حتمی می‌کند. بیرون از دنیای سرگرمی و تفریح، جنگ شدیدتر و خونین‌تر است. جنگ برای قدرت، جنگ برای تریاک، جنگ برای پول و منافع اقتصادی که متفاوت‌تر از جنگ در تفریح‌ها و سرگرمی‌ها است، شاید آن شاعر را به این باور رسانده باشد که بلی! در شریان‌های افغانستان، به جای خون جنگ جاری است. اما آیا قلب افغانستان به جای خون، جنگ پمپ می‌کند؟

هر چند آن شاعر سال‌ها پیش به افغانستان آمده بود و به صورت قطعی نمی‌توانست در جواب این سوال حکم کند که قلب افغانستان به جای خون در شریان‌ها و در سراسر کشور جنگ پمپ می‌کند یا نه. اما حالا که اوضاع را می‌بینیم، کم‌کم با اطمینان گفته می‌توانیم که بلی قلب افغانستان (پایتخت، کابل) به جای خون در شریان‌های کشور جنگ پمپ می‌کند.

از دو سال به این سو، جنرال جنگی در افغانستان شروع شده. البته خدای‌نخواستہ منظور من از جنرال جنگی، برنامه‌ی مثل خروس جنگی نیست. دهنم بسوزد و جگرم کباب شود اگر چنین نیتی داشته باشم. الحق که فرق فراوانی میان جنرال جنگی و خروس جنگی وجود دارد. مثلاً در خروس جنگی‌ها، هر اتفاقی بیافتد (یعنی هر خروسی که شکست بخورد) از قدرت و شوکت صاحبش کم نمی‌کند یا بر آن نمی‌افزاید. بلکه صرفاً شکست و پیروزی به خود خروس‌ها برمی‌گردد. اما در جنرال جنگی‌ها که تازه رواج شده و بیم آن می‌رود که خیلی زود در سراسر کشور رواج شود، در صورت پیروزی قدرت به خود جنرال بر نمی‌گردد اگر هم برگردد خیلی کم برمی‌گردد. بلکه قدرت به کسی که در قلب کشور (کابل) نشسته و این جنرال را پمپ کرده برمی‌گردد.

جنرال جنگی تقریباً تازه شروع شده و همان‌طوری که پیشتر گفتم، بیم آن می‌رود که خیلی زود در سراسر کشور رواج پیدا کند. اما با توجه به حضور مداوم جنگ در زندگی ما افغان‌ها، اگر کمی خود را بی‌خبر بگیریم، خیلی زود متوجه خواهیم شد که جنرال جنگی هم به یک سرگرمی تبدیل شده. هر چند که همین حالا هم چنین است، منتها فعلاً این تفریح خاص سیاسیون بلندبارگاه مملکت است و هنوز برای عموم مردم قابل دسترس نیست.

پیشتر گفتم که جنرال جنگی با خروس جنگی فرق دارد. جنرال جنگی بسیار خطرناک است چون مسایل قومی-مذهبی در افغانستان شبیه گدام مواد منفجره است که به یک جرقه نیاز دارد تا انفجار کند. در حال حاضر، در هر شش قدم یک‌دانه از این گدام‌های مواد منفجره ایجاد شده که اگر احتیاط نکنیم، حتا خودمان در انفجارها خواهیم سوخت. بناءً صد شکر به خروس جنگی، حداقل شرفش این است که کسی کشته نخواهد شد. اما در جنرال جنگی، آدم فراوان کشته خواهد شد.

# پانزده سال در کوره‌ی گداز افغانستان

نیویارک تایمز / کارلوتا گال

ترجمه: حمید مهدوی

بخش اول



اما به آن‌ها اجازه داده شد تا بر فراز کوه‌هایی در پاکستان تجدید قوا کنند و هنوز از آن‌جا افغانستان و منطقه را تهدید می‌کنند. در پاکستان، آن‌ها آموزش ساخت بمب‌هایی را که پر از ساچمه است و واسکت‌های انتحاری و بعداً موتوره‌ای بمب‌گذاری شده به مردان جوان را آغاز کردند و صدها تن از آن‌ها را علیه اهدافی در افغانستان و پاکستان فرستادند. آن‌ها هنوز بمب‌گذاری چون احمد خان، مظنون سلسله‌بمب‌گذاری‌های ماه گذشته در نیویارک و نیوجرسی، را استخدام کرده و آموزش می‌دهند که چند ماه را در مدرسه‌ی بی در پایگاه طالبان در نزدیکی شهرک مرزی کویت‌ی پاکستان گذرانده بود.

با وجود سال‌ها انکار پاکستان، حالا کاملاً فهمیده شده است که سازمان استخبارات پاکستان همیشه طالبان را زیر نظر داشته و تجهیز ساخته است. اما رییس‌جمهور و همچنین جورج دبلیو بوش، رییس‌جمهور پیش از او، در پایان دادن به لاس‌زنی طولانی پاکستان با القاعده ناکام بوده‌اند. هنوز باورها بر آن است که ایمن الظواهری، جانشین بن‌لادن، در پاکستان زندگی می‌کند و از طریق طرفدارانش در شرق میان، آفریقا و آسیا، هرج‌ومرج را هدایت می‌کند. نیروهای عملیات ویژه‌ی آمریکا بر گروه‌هایی از القاعده حمله می‌کنند که در جریان دو سال گذشته به افغانستان نفوذ کرده‌اند.

ارتش پاکستان در حمایتش از سئیزه‌جویان بیش از هر زمان دیگری گستاخ شده است و حتا افسران بازنشسته‌ی ارتش را با چرخبال‌های کرابی انتقال می‌دهد تا به طالبان آموزش بدهند. یکی از آن‌ها، در حالی که شش کارمند بازنشسته‌ی ارتش و یک خلبان روسی را حمل می‌کرد، در در ماه اگست منطقه‌ی تحت کنترل طالبان در شرق افغانستان فرود اضطراری داشت.

تماشای ادامه‌ی این همه حملات مرگبار در جریان چندین سال، در حالی که در راستای جلوگیری از آن‌ها در منبع آن کمتر کاری انجام شده است، یکی از سخت‌ترین تجربه‌های من به‌عنوان یک گزارشگر بوده است و پاسخ دادن به این پرسش افغان‌ها که چطور ممکن است آمریکا تا این حد کور و بی‌توجه باشد و از نقش پاکستان در حمایت از تروریسم چشم‌پوشی کند، به‌طور فزاینده‌ی دشوار شده است. فرمانده گدا، یکی از فرماندهان جهادی که برای مدتی طولانی رقیب طالبان بوده است، گفت: «امریکا برای مدت طولانی‌یی افغانستان را درک نکرد. حالا آن‌ها کم‌کم درک می‌کنند، اما چرا این قدر دیر؟»

ادامه دارد...

**با وجود سال‌ها انکار پاکستان، حالا کاملاً فهمیده شده است که سازمان استخبارات پاکستان همیشه طالبان را زیر نظر داشته و تجهیز ساخته است. اما رییس‌جمهور و همچنین جورج دبلیو بوش، رییس‌جمهور پیش از او، در پایان دادن به لاس‌زنی طولانی پاکستان با القاعده ناکام بوده‌اند. هنوز باورها بر آن است که ایمن الظواهری، جانشین بن‌لادن، در کنار رهبران ارشد طالبان، در پاکستان زندگی می‌کند و از طریق طرفدارانش در شرق میان، آفریقا و آسیا، هرج‌ومرج را هدایت می‌کند. نیروهای عملیات ویژه‌ی آمریکا بر گروه‌هایی از القاعده حمله می‌کنند که در جریان دو سال گذشته به افغانستان نفوذ کرده‌اند.**

در امتداد مرز با پاکستان را در دست بگیرند و یک بار دیگر امارت اسلامی‌شان اعلان کنند. از زمانی که طالبان در خزان سال گذشته به‌صورت موقتی شهر قندوز را تصرف کردند، افغان‌ها اعتمادشان در زمینه‌ی توانایی حکومت در محافظت از آن‌ها را از دست داده‌اند. در جریان چندین سال، افغانستان، هم‌تراز با ویست بانک، غزه و لایبیا، یکی از بیشترین کمک‌سراشی خارجی را دریافت کرده است. ایالات متحده به‌تنهایی از سال ۲۰۰۲ بدین سو نزدیک به ۵۰۰ میلیارد دلار را در مأموریت‌اش در افغانستان به مصرف رسانده است که بخش بزرگ آن در عملیات‌های نظامی بوده است و به گفته‌ی اداره‌ی سرمفتش ویژه برای بازسازی افغانستان (سیگار) تقریباً یک -پنجم آن (۱۱۳ میلیارد دلار) در بازسازی بوده است. این کشور هنوز یکی از فقیرترین کشورهای جهان باقی مانده است و به گفته‌ی بانک جهانی، بیش از ۱۰ میلیون تن زیر خط فقر زندگی می‌کنند، سه -چهارم جمعیت آن بی‌سواد است. در آغاز، بسیار آسان می‌نمود. طالبان در سال ۲۰۰۱ به‌سرعت شکست خوردند و با بی‌نظمی فرار کردند و نیروهای القاعده نیز همین‌طور. من هزاران تن از نیروهای آن‌ها، به‌شمول جنگجویان القاعده، را دیدم که در شمال افغانستان تسلیم شده بودند و هیچ شک و تردیدی وجود نداشت که آن‌ها زور آخرشان را زده بودند و حمایت مردمی را از دست داده بودند.

این‌جا، این روزها حس پایان یک دوره وجود دارد. چرخبال‌های نظامی در هوا سروصدا می‌کنند و مقام‌های آمریکایی و افغان را از طریق هوا، به‌جای قبول خطر موتوره‌ای بمب‌گذاری شده در جاده‌ها، انتقال می‌دهند. موانع کانکریتی در اطراف هر سفارت و ساختمان دولتی، که حفاظی در برابر حملات انتحاری است، بلندتر و قوی‌تر شده‌اند و تمام این جاده‌ها به روی مردم عام مسدوداند.

از زمانی که نیروهای آمریکایی در ۷ اکتوبر سال ۲۰۰۱ بمباران‌شان بر طالبان و القاعده را آغاز کردند، پانزده سال می‌گذرد و گاهی احساس می‌شود که به چهارراه اول برگشته‌ایم و هیچ بهره‌ی [از این پانزده سال] نبرده‌ایم. خروج نیروهای نظامی اخیر آمریکا [از افغانستان] جدی بوده است. از بیش از ۱۰۰ هزار سربازی که چند سال قبل [در افغانستان بودند]، امروزه ۸۵۰۰ سرباز باقی مانده است. هزاران افغان، با بسته شدن پایگاه و پایان یافتن برنامه‌های کمکی، بی‌کار شده‌اند. در عین‌زمان، ده‌ها هزار طالب در حومه‌های کشور در حالت ته‌اجمی هستند و مرکز چندین ولایت را به تاخت‌وتاز تهدید می‌کنند و این‌جا در پایتخت بمب‌گذاری‌های کلان انجام می‌دهند.

نیروهای افغان فشار را متحمل شده‌اند و تلفات غیرقابل تحمل را متحمل شده‌اند. مردم از صدها تابوتی حرف می‌زنند که از خط مقدم بازمی‌گردند. درد و رنج مردم ملکی کمتر نبوده است. هزاران خانواده در نتیجه دوباره آواره شده‌اند و امدادگران هشدار می‌دهند که دسترسی آن‌ها رو به وخامت است. اهالی کسب‌وکار [کشور] را ترک می‌کنند، اموال‌شان را می‌فروشند و با خانواده‌های‌شان ستون مهاجرانی را که راهی اروپا هستند، طولانی‌تر می‌سازند.

از آن‌جایی که افغان‌ها نفوذ رو به کاهش آمریکا را احساس می‌کنند و به دنبال حامیان جدیدی یا از سرگیری اتحاد‌های سابق هستند، حال و وضع سیاسی نیز در حال تغییر است. فعالیت‌های سیاسی شدید است و یک وزیر پیشین فضای سیاسی را «داغ، بسیار داغ» توصیف می‌کند.

برای افغان‌ها و برای بسیاری از ما که برای چندین دهه [اوضاع] افغانستان را دنبال کرده‌ایم (من از اوایل دهه ۱۹۹۰ تاکنون از این کشور دیدار داشته‌ام)، زمان [کنونی] یادآور خروج اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۹۸۹، پس از ده سال اشغال، است. حکومت و ارتش کمونیستی که شوروی‌ها از خود برجای گذاشتند، قبل از این‌که در سال ۱۹۹۲ توسط مجاهدین سرنگون شود، صرف سه سال دوام کرد.

به نظر می‌رسد که طالبان، به کمک پاکستان، قصد دارند این سناریو را تکرار کنند و امید دارند کنترل بخشی از خاک کشور



«خانه‌ی بزرگی در کابل برایش فراهم کرده بود که در آن مهمانی‌های بسیاری ترتیب می‌داد. این مهمانی‌ها، شامل الکل، مواد مخدر، رقصه‌ها و فاحشه‌ها هم می‌شد... جنرال برای به‌دست آوردن عشق و محبت یکی از آوازخوانان پیشتاز، با وزیر داخله نیز رقابت می‌کرد. در لویه‌جرگه‌ی ۱۹۸۷ که قانون اساسی جدیدی را تصویب کرد، تلاش کرد که با بادیگارد‌های مسلحش، وارد جرگه شود. این کارش به یک درگیری تمام‌عیار مسلحانه انجامید و او زخمی شد. بعدها تلاش کرد که دوباره، به مجاهدین بپیوندد، اما آی‌اس‌آی شرایطش را رد کرد. پس دادن دو میرسیدیس بنز که قبلا از او گرفته بودند، یکی از این شرایط بود.»

جملات بالا را آقای بارنت روبین، یکی از افغانستان‌شناسان مشهور، در کتاب «فروپاشی افغانستان»، درباره‌ی عصمت مسلم - یکی از قدرتمندترین مردان افغانستان در دهه‌ی هشتاد میلادی - نوشته است. عصمت مسلم در سال ۱۹۷۹ جنگ در مقابل دولت کابل را از اسپین‌بولدک و از میان مردان قبیله‌ی اچکزی - یکی از شاخه‌های ابدالی‌ها - آغاز کرد. او به‌زودی به یکی از قدرتمندترین فرماندهان مخالف دولت تبدیل شد. قدرتمند شدن او، تعادل قدرت میان اچکزی و نورزی - شاخه‌ی قدرتمند دیگر ابدالی‌ها - را بر هم زد. این دو قبیله به‌صورت سنتی بر سر کنترل تجارت و قاچاق در اسپین‌بولدک با هم در خصومت و رقابت بوده‌اند. عصمت مسلم که در کنار جهاد، دست بلندی در قاچاق مواد مخدر و غیرمخدر داشت، اسپین‌بولدک را قلمرو خودش می‌دانست.

نادرخان نورزی - کالان نورزی‌ها - برای مقابله با قدرت جدید اچکزی‌ها، در بدل سلاح و حمایت، دختر نوجوان‌اش را به یونس خالص داد. نزدیکی نورزی‌ها به جهادی‌های رقیب و مورد حمایت آی‌اس‌آی از یک‌طرف، نگرانی پاکستان از قاچاقبری مسلم و نزدیکی سنتی اچکزی‌ها به کابل از طرف دیگر، فشار آی‌اس‌آی بر عصمت را بیشتر کرد. او برای حفظ قدرت و سلطه‌اش بر اسپین‌بولدک در سال ۱۹۸۴ به دولت کابل پیوست، و قدرتمندتر از قبل شد، تا این‌که در سال ۱۹۸۸، نیروهایش را مجاهدین به‌رهبری یونس خالص در یک حمله‌ی بزرگ، تارومار کردند.

یکی از فرماندهان عصمت مسلم به اسم منصور با پیوستن به دیگران جان به سلامت برد. عصمت مسلم سه سال بعد در مسکو از دنیا رفت. بعد از آشوب‌های دوران مجاهدین در قندهار، در سال ۱۹۹۴، طالبان که تعداد زیادی از نورزی‌ها را در صف خود داشتند، در اسپین‌بولدک ظاهر شدند، و منصور - فرمانده سابق عصمت - را از میله‌ی یک تانک به دار آویختند، و برادرش را هم کشتند. در میان فرزندان به‌جای‌مانده از برادر منصور، پسرک نوجوانی بود به اسم عبدالرازق که با خانواده و بسیاری از اچکزی‌های دیگر به پاکستان مهاجر شدند. عبدالرازق تا ۲۰۰۱ در کوئته دکانداری می‌کرد.

در اواخر ۲۰۰۱، امریکایی‌ها به کمک گل‌آغا شیرزوی، گروهی از مردان اچکزی را که عبدالرازق - جوان مهاجر بیست‌ودو ساله‌ی دکاندار - هم در میان‌شان بود، مسلح کردند، و برای تسخیر قندهار وارد افغانستان کردند. نیروی هوایی امریکا با بمباران مواضع طالبان راه را صاف می‌کرد، و ملیشه‌ی اچکزی که فرماندهی‌اش را شخصی به‌نام فدا محمد به عهده داشت، از اسپین‌بولدک به‌سوی قندهار پیشروی می‌کرد، در حالی‌که امکانات و تجهیزات‌شان توسط نیروهای ویژه‌ی امریکایی، تامین می‌شد. بعدها کمپنی‌های خصوصی امنیتی امریکایی این گروه را آموزش دادند و تجهیز کردند. فدا محمد فرمانده این ملیشه می‌گوید که آن‌ها با گل‌آغا شیرزوی به توافق رسیدند که شهر قندهار به گل‌آغا واگذار شود، و اسپین‌بولدک به آن‌ها سپرده شود. بعداً بخشی از این ملیشه‌ی قومی، پولیس سرحدی در اسپین‌بولدک را تشکیل داد و بخشی دیگر همچنان مستقل ماند.

فدا محمد، در مقام فرماندهی این نیروها، دیری دوام نکرد. او می‌گوید که مبارزه با قاچاق مواد مخدر برایش ناممکن بود، چون لازمی‌های لبریز از مواد مخدر به پشتیبانی و دستور مقامات قندهار و مردان قدرتمند، به اسپین‌بولدک می‌رسیدند. مردان قبیله‌ی اچکزی هم او را متهم می‌کردند که منابع و امکانات کافی در اختیارشان نمی‌گذارد. سرانجام، قدرتمندان قندهار و مردان اچکزی، فدا محمد را به کنار زدند. در یک جرگه‌ی قبیله‌ی اچکزی‌ها، عبدالرازق جوان به‌دلیل دلبری، بی‌باکی، تعلق به خانواده‌ی منصور و توهم قابل کنترل بودنش از سوی مردان اچکزی، به

# تکیه بر گنگسترها

## (از عصمت مسلم تا عبدالرازق - قومندان امنیه‌ی قندهار)

عبدالله وطندار



رهبری ملیشه‌ی قومی‌شان انتخاب شد. عبدالرازق به‌زودی پولیس سرحدی و ملیشه‌ی اچکزی را وارد تجارت و قاچاق مواد مخدر کرد، و از این راه به قدرت و ثروت عظیمی دست یافت. در زمان حاکمیت عبدالرازق بر اسپین‌بولدک، در آمد ماهانه‌ی او را ۵ تا ۶ میلیون دالر برآورد کرده‌اند. اینک کسی قدرت ایستادگی در مقابل این جوان بی‌سواد و ناپرونده اما نترس، جاه‌طلب و باهوش را نداشت. دکاندار سابق مهاجر، راهش را یافته بود.

یکی از قاچاقبران نورزی به اسم شین نورزی، در ۲۰۰۶ در راه رفتن به میله‌ی نوروز در مزار شریف، با ۱۵ تن از همراهانش به درخواست دوست قدیمی‌اش نعیم لالی حمیدزی - یک اچکزی که قبلا تحت فرمان عبدالرازق خدمت می‌کرد و بعداً بر سر پول و قدرت با او به دشمنی برخاست و در نهایت به پارلمان راه یافت - در کابل توقف می‌کنند. آن‌ها به دعوت و همراهی لالی حمیدزی و در مخالفت با یکی دیگر از دوستان‌شان، به خانه‌ی می‌روند که گویا در آن ساعت تیری و موسیقی فراهم بوده است. آن‌ها دیروقت شب، همراه با لالی از آن خانه خارج می‌شوند، و بعد از آن کسی دوباره آن‌ها را زنده نمی‌بیند. بعد از چند روز، عبدالرازق ادعا می‌کند که او یک نفر تروریست را به نام ملا شین نورزی همراه با ۱۵ تن از همراهانش که به قصد خرابکاری از پاکستان وارد افغانستان شده بودند، در یک درگیری کشته است. در حقیقت، شین نورزی، یکی از رقیبان

سرحدی افغانستان در اسپین‌بولدک، افسر است و از قضا بجای کاکای قوماندان پولیس سرحدی - عبدالرازق خود ما - است. مردم برای تشخیص او از قوماندان عبدالرازق، وی را رازق کوچک صدا می‌کنند. عبدالرازق کوچک، در نزدیکی‌های مرز، موترش را ایستاد می‌کند، و یک مرد ریشدار قوی‌هیكل را سوار موتر می‌کند. بعد از مدتی، این مرد را جلوی یکی از قلعه‌های نظامی که قرارگاه پولیس پاکستان است پیاده می‌کند. بعد عبدالرازق با افتخار به متو می‌گوید: «من یک قاچاقبر هستم». خبرنگار از او می‌پرسد که آیا او نمی‌ترسد و پولیس پاکستان برایش مشکلی ایجاد نمی‌کند. رازق کوچک با اشاره به مردی که لحظه‌ی قبل جلوی آن قلعه از موتر پیاده کرده بود، می‌گوید: «آن مرد را می‌بینی؟ او فرمانده آن قلعه است.» متو با دقت توضیح می‌دهد که چگونه، پولیس سرحدی تحت فرمان عبدالرازق تا گلو در فساد بی‌حد و شبکه‌ی گسترده‌ی از قاچاق کالا و مواد مخدر غرق است.

در تابستان ۲۰۰۶، طالبان بر نیروهای دولتی در ولسوالی پنجوایی قندهار حمله می‌کنند. ساکنین ولسوالی پنجوایی را نورزی‌ها تشکیل می‌دهند. ولسوال پنجوایی که خود یک اچکزی است، از عبدالرازق و ملیشه‌ی اچکزی تحت فرمانش، درخواست کمک می‌کند. نورزی‌های پنجوایی، با دیدن ملیشه‌ی قبیله‌ی رقیب، دست به اسلحه می‌برند و در اطراف بازار پنجوایی آن‌ها را کمین می‌کنند. جنگ قومی سختی درمی‌گیرد. سر انجام نورزی‌ها شکست می‌خورند، اما در پی بی‌رحمی بی‌حد نیروهای عبدالرازق، از جمله کشتن زنان و اطفال. طالبان با مهارتی که در استفاده از شکاف‌های قبیلوی دارند، فوراً یک نورزی را به‌عنوان ولسوال‌شان، تعیین می‌کنند. بی‌رحمی ملیشه‌ی اچکزی و مهارت طالبان باعث می‌شود که اکثر نورزی‌های پنجوایی به طالبان بپیوندند. وضعیت در پنجوایی تا آن‌حد بد می‌شود که کانادایی‌ها مجبور می‌شوند نیروهای‌شان را از اسپین‌بولدک به پنجوایی منتقل کنند و برای یک مدت طولانی در آن‌جا بچنگند.

بعد از ترور خان محمد مجاهد به دست یکی از محافظانش در سال ۲۰۱۱، عبدالرازق به قوماندانی امنیه‌ی ولایت قندهار رسید. قندهار، یکی از آن‌شمار ولایت‌های افغانستان بود که ضعف اقتدار نهادهای دولتی، قدرت روزافزون طالبان و نبود حاکمیت قانون در آن زمان در آن ولایت مثال‌زدنی بود. یکی از دلایل مهم آن، وجود مافیای قدرتمندی بود که خانواده‌ی کرزی، هسته‌ی آن را تشکیل می‌داد، اما با مرگ احمدولی و حشمت کرزی و کنار رفتن حامد کرزی از قدرت، نقش مرکزی این خانواده تا حدود زیادی در آن رو به ضعف رفت. در پی این رویدادها، و نیاز امریکا به یک فرد محلی نیرومند و جدی که بتواند برای سرکوب طالبان از او استفاده کند، به اهمیت عبدالرازق و ملیشه‌ی قدرتمند اچکزی‌اش، در آن ولایت افزوده شد. عبدالرازق توانست با تکیه بر حمایت قومی، بی‌رحمی و شناخت درست از ریشه‌های اجتماعی طالبان، امکان فعالیت گسترده‌ی این گروه در آن ولایت را از بین ببرد، و آرامش را به آن بازگرداند. اما کسی که قادر به این کار بزرگ و دشوار شده بود، نمی‌توانست و نمی‌تواند به‌عنوان یک مامور فرمانبردار دولت و مطیع قانون عمل کند. قدرت و حمایت قومی محلی او در کنار وابستگی غربی‌ها به او برای حفظ کسانی چون حامد کرزی، و حمایت از او یک فرمانروای محلی غیر قابل کنترل توسط دولت مرکزی به‌وجود آورده است. بعد از انتخابات، تلاش اشرف غنی برای کنترل او بی‌نتیجه ماند، چون اینک آرامش قندهار مستقیماً به حضور و قدرت عبدالرازق وابسته شده بود، و آقای کرزی هم به او به‌عنوان یک مانع مفید در مقابل تلاش‌های غنی برای ایجاد جابه‌جایی در قندهار و گسترش کنترل حکومتش در آن ولایت، نگاه می‌کرد.

عبدالرازق، تفاوت زیادی با بسیاری دیگر از قدرتمندان جنوب ندارد. او از دل نزاع‌های کهنه و دوامدار قبیلوی برخاسته است، حمایت امریکایی‌ها و غربی‌ها در رسیدنش به قدرت و حفظ آن نقش حیاتی داشته است، از سوی کسانی چون آقای کرزی و وابستگان محلی ایشان، برای رقابت قبیلوی و نفوذ محلی حمایت شده‌اند، و در مقابل، از امکانات غربی‌ها و نیازشان به مردان پرنفوذ محلی، و سوءاستفاده از امکانات و دستگاه دولت برای سرکوب رقیبان قبیلوی و محلی‌شان با بی‌رحمی تمام سود برده‌اند. قدرت غیر قابل کنترل افرادی چون عبدالرازق، تا حدود زیادی دولت و اقتدار دولتی را به یک طرف منازعات قبیلوی فرو می‌کاهد....



# چهلک

سخن‌سازان هاتفا

## ستروحه حکمه‌ی فیس بوک

من گاهی فکر می‌کنم که اگر فیس‌بوک پا به عالم هستی نمی‌گذاشت، ما خبرهای خود را از کجا می‌گرفتیم و قضاوت‌های عمیق‌مان را به کجا می‌بردیم. حالا مردم رسماً از همدیگر می‌پرسند «در فیس‌بوک چه خبر؟». چندی پیش کسی اطلاعیه‌ی اشک‌آوری چاپ کرده بود درباره‌ی سفر نابه‌هنگام یکی از بزرگان. سفر نابه‌هنگام را که می‌دانید؛ منظور همان شتافتن به جهان باقی است. اسم آن جناب را نوشته بود و گل و شمعی هم بر گرد نامش گذاشته بود. بعد، آن آقا آمده بود و زیر آن خبر جانگداز نوشته بود که چرا خانواده و دوستان آدم را پریشان می‌کنید، من زنده‌ام! اصرار کرده بود که این خود منم که این چیزها را می‌نویسم. ولی شما فکر می‌کنید کسی به او گوش می‌داد؟ هی به خانواده‌ی او تسلیت می‌گفتند و برای‌شان صبر جمیل می‌خواستند. آخر آن جناب مجبور شد اطلاعیه‌ی مذکور را در صفحه‌ی خود بگذارد و به مردم بگوید که من از همدلی و غم‌شریکی شما بی‌نهایت سپاس‌گزارم، اما من زنده‌ام و امیدوارم این ادعای ناقابل را از این برادر ناچیزتان بپذیرید.

نه. نشد. اگر تصور می‌کنید که این یادداشت آن مرحوم زنده باعث شد که مردم نظر خود را تغییر بدهند و دیگر از سر ماجرای مردن او دست بردارند، اشتباه می‌کنید. وقتی که او چنان یادداشتی نوشت، میزان غم و اندوه مردم چند مرتبه بالاتر رفت. گفتند ببینید که آن بی‌چاره اگر زنده می‌بود با چه ادب و متانتی مرگ خود را تکذیب می‌کرد و از مردم به‌خاطر همدلی‌شان ابراز امتنان می‌نمود. آن جناب که دید مردم با هیچ روشی متقاعد نمی‌شوند و نمی‌پذیرند که او نمرده باشد (حق‌شان هم بود، چون مرگ او در فیس‌بوک اعلان شده بود)، اطلاعیه‌ی مذکور را از صفحه‌ی خود برداشت و به‌جای آن مقاله‌ی تندی در نقد جنبش روشنائی نوشت و در نوشته‌ی خود به سخنان همان روز رهبران جنبش روشنائی استناد کرد تا مثلاً نشان بدهد که نمرده است. این تدبیر او هم کار نکرد. چرا که مردم به‌جای این‌که فکر کنند او زنده است و در نزد فامیل خود روزی می‌خورد، فقط تغییر جهت عاطفی دادند. یعنی به‌جای ابراز همدلی شروع کردند به دشنام دادن به او. یکی نوشت: «خوب شد این بی‌ناموس مرد، وگرنه خدا می‌داند چه چیزهای دیگری درباره‌ی جنبش می‌نوشت!»

فیس‌بوک بعضی را به آسمان می‌برد، و بعضی دیگر را زنده به گور می‌کند. متوجه عرضم هستید؟

## تکیه بر گنگسترها...

...ادامه از صفحه ۴

شمال افغانستان برای طالبان جنگید، و خودش به یکی از نزدیکان مورد اعتماد ملا محمد عمر تبدیل شد. همین آدم در سال ۲۰۰۵ به دولت پیوست و به یکی از حامیان آبادی وطن و دموکراسی تبدیل شد. هیچ دلیلی وجود ندارد که فکر کنیم، مردان قدرتمندی چون عبدالرازق، در صورت تغییر نگاه دولت به آن‌ها و یا ترس از گسترش حاکمیت قانون و اقتدار دولت، به مانعی جدی در مقابل دولت تبدیل نمی‌شوند، و برای حفظ امتیازات و سلطه بر شبکه‌ی تجارت و قاچاق، تغییر جهت نمی‌دهند.

با در نظر گرفتن مخالفت عبدالرازق با برکناری اش از سوی دولت، او و قدرت بسیاری، ادعاهای خارجی‌ستیزی آقای کرزی و مخصوصاً ادعای تردیدش در مورد اهداف امریکا را هم بی‌بنیاد می‌کند. اگر ادعاهای کرزی درست است، پس ایشان چگونه از قدرت غیر قابل کنترل یک آدم بی‌سواد حمایت می‌کند، در حالی که این آدم با قدرت و امکانات نیروهای امریکایی به موقعیت فعلی‌اش دست یافت، اکنون هم تا حدود زیادی بر این امکانات و حمایت تکیه دارد؛ با تکیه بر حمایت وسیع نیروهای خارجی، نزاع با طالبان را بیشتر از پیش، رنگ قبیلوی می‌دهد و با این کارش، حمایت از طالبان در میان قبایل رقیب را ریشه‌دار و ناگزیر می‌کند؟

مواردی، اجتناب‌ناپذیر هم هست. قبایل افغانستان، مخصوصاً قبایل مرزی برای حفظ قدرت، اجتناب از پامال شدن به دست قبایل رقیب و حفظ سلطه‌شان بر درآمد مرزها، به‌سادگی می‌توانند تغییر جهت بدهند. مثال‌های فراوانی از این تغییر جهت دادن‌های مصلحتی وجود دارد.

یکی از این نمونه‌ها کسی بود به اسم عبدالوحید، مشهور به ریس باغرانی از شمال هلمند. ایشان رهبری یک ملیشه‌ی قدرتمند متعلق به شاخه‌ی خلوزی غلیزی‌ها را سال‌ها قبل به عهده داشت. ایشان برای سالیان‌سال در کنار جمعیت اسلامی افغانستان بودند، و به آن وفادار ماندند. او از معدود جمعیتی‌های قدرتمند در جنوب کشور بود. در سال ۱۹۹۵، موقعی که نیروهای جمعیت اسلامی به‌رهبری اسماعیل خان در ۱۲۰ کیلومتری قندهار در گرشک با طالبان می‌جنگیدند، ناگهان عبدالوحید، دگرگونی شرایط را متوجه شد، تغییر جهت داد، و به نیروهای تازه‌نفس و کارآموده‌اش دستور حمله به نیروهای جمعیت اسلامی را صادر کرد. این نیروها در کنار نیروهای طالبان توانستند، ضربه‌ی سخت و ویرانگری بر نیروهای جمعیت اسلامی وارد کنند، و زمینه‌ی سقوط هرات و بخش‌های دیگر کشور به دست طالبان را فراهم کردند. نیروهای او بعداً در

... و این می‌تواند به‌صورت مستقیم، جای پای محکمی برای مخالفین مسلح دولت و گروه‌های تندرو، در رویارویی‌ها و خصومت‌های قبیلوی ایجاد کند، و در نتیجه حمایت از طالبان و گروه‌های یغی مسلح را به مهم‌ترین و حتی تنها انتخاب قبایل رقیب تبدیل کند. طالبان نشان داده‌اند که در بازی‌های قبیلوی و فهم مسایل خردوریز آن، توانایی قابل‌اعتنایی دارند. رهبر فعلی طالبان، ملا هبیب‌الله آخندزاده از پنجوایی و از میان نوزده‌ها بر خاسته است.

راندن قبایل رقیب به دامن طالبان اما تنها خطری نیست که قدرت گسترده‌ی مردان قدرت قبیلوی مثل عبدالرازق، متوجه کشور و دولت می‌کند. کافی است در نظر بگیرید که بخش مهمی از توانایی مالی طالبان، از شبکه‌ی گسترده‌ی قاچاق کالا و مواد مخدر به‌دست می‌آید، و آدم‌های مثل عبدالرازق که نقش حیاتی در حفظ و گسترش این شبکه بازی می‌کنند، تا حدود زیادی برای حفظ، گسترش و سلطه بر این شبکه می‌جنگند؛ گرچند در مورد او، کینه و انتقام شخصی و قبیلوی را هم می‌توان به انگیزه‌ی روحیه و جنگ ضدطالبانی‌اش افزود. اما قهرمانانی که به زور مردان یک قبیله، قاچاق و چپاول به قدرت می‌رسند، اساساً «مردان قوی برای اجاره» هستند، و تغییر جهت برای‌شان کار مشکلی نیست، بلکه در

# سایه‌ی سنگین پناهجویان افغان در نشست بروکسل

قوانین بین‌المللی، افغانستان باید برگشت مهاجران را بپذیرد و در صورت نپذیرفتن برگشت پناهجویان، کشورهای تمویل‌کننده بودجه‌ی اختصاصی کمک‌های خود به افغانستان را کسر کرده و آن را در کشور خودشان برای پناهجویان به مصرف می‌رسانند.

آقای حکیمی که همچنان در مورد نشست بروکسل نیز گزارش ارائه نمود، گفت یکی از مشکلات عمده‌ی که در نشست بروکسل با آن مواجه خواهیم بود، موضوع مهاجرت است. وزیر مالیه گفت در تمام مذاکراتی که با حامیان افغانستان صحبت شده، پیش‌شرط تعهدات مالی مشروط بر موضوع مهاجرین، مخصوصاً برای بازگشت آنان، مطرح نبوده است اما اگر تعللی از طرف ما صورت بگیرد که ما اولاد خود را دوباره به وطن خود پس به‌شکل آبرومندانه نیاوریم، این موضوع رابطه‌ی دوستی ما با کشورهای دوست افغانستان را چه در بخش پروژه‌های توسعه و نظامی متأثر خواهد ساخت.

سید حسین عالمی بلخی، وزیر امور مهاجرین و عودت‌کنندگان اما گفت که برگشت پناهجویان افغان از کشورهای اروپایی براساس اعلامیه‌های مشترکی صورت خواهد گرفت که میان حکومت و کشورهای میزبان پناهجویان افغان به امضا رسیده است.

آقای عالمی افزود آن‌عده از پناهجویانی که براساس قوانین داخلی کشورهای میزبان پس از طی سه مرحله‌ی قانونی محکمه و نیز مطابق قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی مهاجرت، مستحق پناهندگی شناخته نشوند، به کشور برگردانده خواهند شد.

وزیر مهاجرین گفت شمار مهاجرینی که از کشورهای اروپایی برگردانده می‌شوند، «بسیار اندک» از ارقامی است که از ایران و پاکستان به کشور بازگشت می‌کنند.

هرچند آقای عالمی ارقام مشخصی را در رابطه به اخراجی‌های پناهجویان افغان از کشورهای اروپایی ذکر نکرد اما گفت که به‌طور متوسط روزانه از پاکستان پنج‌هزار نفر و از ایران ۱۵۰۰ نفر به کشور، به‌صورت داوطلبانه و اجباری باز می‌گردند.

او گفت مهاجرانی که از پاکستان این روزها به کشور بازمی‌گردند در ظاهر به‌صورت داوطلبانه است اما اگر فشارها

و سخت‌گیری‌های پاکستان در برابر مهاجران افغان نباشد، ارقام آن چیزی نیست که در حال حاضر می‌باشد. به گفته‌ی او تنش‌ها میان افغانستان و پاکستان و اخیراً برخوردی که در مرز تورخم میان نیروهای مرزی افغانستان و پاکستان رخ داد، از عوامل افزایش بازگشت مهاجران افغان از پاکستان می‌باشد.

این سه مقام بلندپایه‌ی حکومت وحدت درحالی‌این گفته‌ها را مطرح می‌سازند که قرار است نشست بروکسل به تاریخ ۴ و ۵ اکتوبر در پایتخت بلژیک برگزار شود. گفته می‌شود در این نشست کشورهای حامی افغانستان قرار است تا ۳.۵ میلیارد دلار کمک سالانه به افغانستان متعهد شوند.

اخیراً روزنامه‌ی گاردین نیز در مقاله‌ی نوشته‌ی خود که کمک‌کنندگان بین‌المللی افغانستان در نشست بروکسل از افغانستان خواهند خواست دست‌کم ۸۰ هزار پناهجویی اخراجی افغان را بپذیرد در غیر آن با کاهش کمک‌ها روبه‌رو خواهد شد.

گاردین نوشته‌ی خود که یادداشت‌های درز کرده پیش از نشست بروکسل نشان می‌دهد که اتحادیه‌ی اروپا بخشی از کمک‌های خود را منوط به پذیرش مهاجران از سوی افغانستان خواهد کرد، در حالی که این اتحادیه تصدیق می‌کند که وضعیت امنیتی در افغانستان در حال بدتر شدن است. مقاله نوشته‌ی خود که دولت افغانستان با آشفته‌گی‌های داخلی دست و پنجه نرم می‌کند و در احیای اقتصاد و ایجاد شغل برای جوانانی که به‌صورت دسته‌جمعی افغانستان را ترک می‌کنند، ناکام بوده است.

اما وزیر مهاجرین در نشست روز یکشنبه گفت شایعه است که می‌گوید حکومت توافق کرده است که حدود ۸۰ هزار پناهجویی افغان را از اروپا به کشور بازگرداند، این یک دروغ محض است.

به نقل از گاردین، برای افغانستان جذب ۸۰ هزار اخراجی چالش‌برانگیز خواهد بود. از ابتدای سال ۲۰۱۶ تاکنون نزدیک به ۵ هزار افغان به‌طور داوطلبانه از اروپا به افغانستان برگشته‌اند. در سال گذشته ۱۹۶۱۷۰ افغان در اروپا درخواست پناهندگی دادند که این تعداد درخواست، افغان‌ها را به دومین گروه بزرگ مهاجران تبدیل کرده است که به اروپا می‌روند.

اطلاعات روز: در آستانه‌ی برگزاری نشست بروکسل، مقام‌های افغان بر بازگشت داوطلبانه‌ی پناهجویان افغان از کشورهای اروپایی تأکید کرده می‌گویند کشورهای کمک‌کننده‌ی اروپایی تهدید کرده‌اند که هزینه‌های مالی حمایت از پناهجویان را از کمک‌های مالی به افغانستان کم خواهند کرد.

صلاح‌الدین ربانی، وزیر خارجه‌ی کشور که در نشست استماعیه‌ی مجلس نمایندگان صحبت می‌کرد، گفت اگر موضوع پناهجویان افغان در کشورهای اروپایی حل نشود، این موضوع بر کمک‌های مورد انتظار در نشست بروکسل تأثیر خواهد گذاشت.

آقای ربانی در نشست روز یکشنبه مجلس نمایندگان گفت اگر دولت برگشت پناهجویان را قبول نکند، همکاری کشورهای حامی خود را از دست می‌دهد.

وزیر امور خارجه علاوه کرد که براساس قوانین هیچ کشوری نمی‌تواند کشور دیگری را وادار کند تا اتباعش را به‌عنوان پناهجو قبول کند و دولت‌های کشورهای اروپایی و پارلمان‌های این کشورها به افغانستان هشدار داده‌اند که نمی‌توانند در کنار حمایت از دولت افغانستان، پناهجویان را هم حمایت کنند. او گفت آن‌عده از پناهجویان افغان که درخواست پناهندگی‌شان رد شده باشد، برگردانده می‌شوند حتی به‌صورت اجباری.

به روز یکشنبه وزیران خارجه، مالیه و مهاجرین و عودت‌کنندگان به هدف ارائه‌ی معلومات در مورد نشست بروکسل به مجلس نمایندگان رفته و در جلسه‌ی استماعیه‌ی مجلس پیرامون موضوع مهاجرت و مهاجران افغان صحبت کردند.

صلاح‌الدین ربانی در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت که برای دوام همکاری و حمایت بیشتر کشورهای حامی دولت افغانستان، باید در حل بحران مهاجرت با آنان همکاری باشیم و برگشت اتباع کشور را پذیرفته و زمینه‌ی برگشت و ادغام پناهجویان افغان را در داخل کشور فراهم کنیم.

وزیر مالیه، اکیلی حکیمی هم گفت که در نشست بروکسل روی دو اجندای مهم که یکی اعلام کمک‌های کشورهای تمویل‌کننده برای افغانستان است و نیز بحث مهاجرت، صحبت خواهد شد. او گفت با در نظر داشت معیارهای

<p><b>هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید</b></p>		<p>zaki.daryabi2@gmail.com</p>		<p>صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریایی</p>	
<p>Subscribe to Daily Etilaat Roz</p>		<p>برای ادارات دولتی و شرکتها</p>		<p>معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا</p>	
<p>6 Months</p>	<p>120\$ USD</p>	<p>۳۰۰۰ افغانی</p>	<p>شش ماهه</p>	<p>۲۰۰۰ افغانی</p>	<p>سرمدبیر: جواد ناجی</p>
<p>Annual</p>	<p>200\$ USD</p>	<p>۵۰۰۰ افغانی</p>	<p>یک ساله</p>	<p>۴۰۰۰ افغانی</p>	<p>دبیر خبر: عصمت الله سروش</p>
				<p>گزارشگران: راحله رسیل، الیاس نواندیش</p>	
				<p>ویراستار: عمران راتب</p>	
				<p>صفحه آرا: هادی دریایی</p>	
				<p>بازاریاب: محمد حسین جويا ۰۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲</p>	
				<p>ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com</p>	
				<p>آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا</p>	
				<p>شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰</p>	
				<p>مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲</p>	
				<p>چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹</p>	

**یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می گردد.**

بگو مگو facebook



Jawed Nader

کنفرانس بروکسل و تظاهرات

تجمعات مسالمت‌آمیز از حقوق بشری است. شاید هیچ کنفرانس مهمی در بروکسل بدون تظاهرات برگزار نشود. در همایش‌های سران اتحادیه اروپا، جنبش‌های ضد جهانی شدن، جنگ، تغییر اقلیم ... اکثراً اعتراضاتی برپا می‌کنند. نهادهای امنیتی نیز همواره شرایط مناسب برای آن‌ها مساعد می‌سازند، تا حدی که این عمل جزء کارشویه‌های معمول آن‌ها گردیده است.

من به حق و منطق کسانی که در روزهای کنفرانس بروکسل در مورد افغانستان تظاهرات می‌کنند احترام دارم. ولی خودم در آن شرکت نمی‌کنم زیرا فکر می‌کنم که شیوه‌های کارتر «دادخواهی» وجود دارد که راه را برای اصلاحات پایدار در دولت افغانستان و جامعه جهانی باز می‌کند. کسانی که این نظر مرا نمی‌پذیرند، حق دارند مخالف باقی بمانند، ولی به همان اندازه من نیز خودم را مسئول می‌دانم تا دیدگاه‌هایم را صادقانه در میان بگذارم.

خواهش من از کسانی که در تظاهرات شرکت می‌کنند این است که اشتباهات لندن را تکرار نکنند. افغانستان فعلاً مانند کشتی است که «در شب تاریک» با «بیم موج» و «گرداب» بزرگی روبه‌رو است. کشتی‌بانان، عمله و مسافران‌اش هر یک راه‌حلی برای این بحران دارند. واضح است که اگر با هم سخن بگوییم باهم می‌توانیم این کشتی را به ساحل هدایت دهیم، در غیر آن، همه ما غرق خواهیم شد.

برخی شعارها در لندن خلاف روحیه همگانی بود. خواسته‌های مانند «قطع کمک‌های جهانی به دولت افغانستان»، مانند «غار» کردن کشتی است. چنین شعارها و رویکردها فقط تیشه‌ی جریان‌های راست‌گرای غربی را دسته می‌کند و بس. بعضی گروه‌های در غرب شدیداً مخالف همکاری‌های دولت شان به افغانستان اند. روزنامه‌های مانند «دیلی میل» در بریتانیا و بردارخواننده‌های آلمانی و فرانسوی آن‌ها هر کدام منتظر مواد خام هستند تا این «اجندای» خود را پخته‌تر سازند. هیچ چیزی آن‌ها را شادمان‌تر از آن نمی‌سازد که این مواد توسط خود مردم افغانستان تهیه شود.

توجه و سرمایه‌گذاری غربی‌ها در افغانستان فرصت بزرگی است که باید قدرش را بدانیم. نمی‌گویم ما بدون غرب زمین‌گیر خواهیم شد و یا غربی‌ها مفتاح تمام درهای بسته‌ی افغانستان اند. ولی سیاست‌های کلان و جریان‌های گوناگون منطقه و جهان به گونه‌ی آمده که ثبات و رفاه افغانستان را با همکاری‌های غربی پیوند داده است.

از این رو هم‌وطنان مقیم غرب برای پیشرفت افغانستان نقش مهمی دارند. آن‌ها می‌توانند از فرصت‌های بیشماری که در غرب وجود دارند استفاده کنند. نهادهای دولتی، شرکت‌های تجاری و مراکز تحقیقاتی غرب را تسخیر کنند و سیاست‌های آن‌ها را به نفع مردم کشور تغییر دهند. این کار نیاز به زحمت و تمرکز است و سودش در درازمدت از اعتراضات ضد دولت افغانستان بیشتر است.

آخر کلام این است که بروید آن کار دشوار تسخیر غرب را پیشه کنید. ولی اگر باز هم می‌خواهید در این هفته در بروکسل اعتراض کنید، به متن پیام‌ها، شعارها و سخنرانی‌های تان توجه کنید. نگذارید، ناخواسته، گردهمایی تان به ضرر مردم افغانستان تمام شود و انتقاد تان در مورد عملکرد کشتی‌بان به تخریب کشتی بیانجامد. کشتی مشترک ما را سهواً و یا عمدتاً سوراخ نکنید!

Ramin Anwari

ژنرال دوستم، در پیامی که به مراسم یادبود از برهان‌الدین ربانی فرستاده بود، با اشاره به جنگ‌های میان‌گروهی در افغانستان گفت که «جنگ‌های ما در برابر یکدیگر اشتباه بود و تکرارشان جنایت بزرگی خواهد بود». این، دست‌کم دومین تلاش ژنرال دوستم برای اذعان و پذیرفتن خطاهایی است که او و سران جهادی در جریان جنگ‌های داخلی افغانستان مرتکب شدند. بار اول ژنرال دوستم در آستانه انتخابات ریاست جمهوری از نقش خود در جنگ‌های داخلی پوزش خواسته بود.

در فضای به شدت مسموم سیاسی افغانستان که هنوز دست داشتن جنگ‌سالاران در جرایم جنگی برای آن‌ها افتخار و پاسداری از ارزش‌های اسلامی تلقی می‌شود، این‌گونه ابراز نظر‌ها از سوی ژنرال دوستم مایه‌ی خوش‌بینی و امیدواری است.

این ابرازنظر، حداقل زمینه را برای خوانش متفاوت‌تری از جنگ‌های داخلی و جنایاتی که در آن دوره صورت گرفت، فراهم می‌کند و می‌تواند هشدارهای لازم را برای عدم تکرار آن حوادث مطرح کند.

امیدوارم سایر جنگ‌سالاران نیز این شهامت را پیدا کنند که حداقل نقش خود را در وقوع جنایات جنگی پذیرفته و از قربانیان پوزش بخواهند.

**اطلاعات روز:** پس از افزایش تنش میان هند و پاکستان بر سر کشمیر، ارتش پاکستان این ادعای هند را که گویا نظامیان هندی داخل کشمیر تحت اداره‌ی پاکستان شده و عملیات هدفمندانه‌ی بی‌انجام داده‌اند، کاملاً رد کرده، اما هند گفته است که پاکستان همانند «مریض بی‌هوشی» است که عملیات جراحی را حس نکرده است. از جانب دیگر یک فعال هندی، با خون خود نامه‌ی بی‌سرمنشی سازمان ملل متحد نوشته و از او خواسته که پاکستان را به حیث یک کشور حامی تروریسم بشناسد.

به نقل از صدای آمریکا، مقام‌های نظامی پاکستان به روز شنبه زمینه‌ی بازدید خبرنگاران از خط کنترل در کشمیر را مهیا ساختند. هند به روز جمعه ادعا کرد که نظامیان آن در یک عملیات «برق‌آسا و هدفمند» در داخل کشمیر تحت اداره‌ی پاکستان، ده‌ها تندرو را کشتند، اما جنرال عاصم باجوہ، سخنگوی ارتش پاکستان به خبرنگاران گفته است که هند با فیر سلاح‌های سبک از آن‌سوی خط کنترل، آتش‌بس را نقض کرده و دو سرباز پاکستانی را کشته اما هرگز عملیات هدفمند انجام نداد است.

او گفته است: «در این سوی خط کنترل، هیچ

عملیات هدفمندانه‌ای از سوی ارتش هند صورت نگرفته است. تمام ادعاهای آنان مبنی بر انجام چنین عملیات، غلط است.»

منوهر پریکار، وزیر دفاع هند، در پاسخ گفته است در حالت بی‌هوشی کسی عملیات را حس نمی‌کند «وقتی کسی بی‌هوش باشد، عملیات جراحی را حس نمی‌کند. حتا دو روز پس از عملیات هدفمند و برق‌آسای ما، پاکستان هنوز نمی‌داند که چه رخ داده است؟»

وزیر دفاع هند افزوده هر کسی که قصد صدمه رسانیدن به هند را داشته باشد، با پاسخ فوری مواجه خواهد شد و هند بی‌احترامی را به هیچ‌وجه، تحمل نخواهد کرد.

نریندرا مودی، نخست‌وزیر هند نیز دیروز گفت که نظامیان‌اش به قصد تسخیر اراضی، به کلام کشور دیگری تعرض نکرده است. او همچنان از جهانیان خواسته که قربانی سربازان هندی در جریان جنگ‌های جهانی را فراموش نکنند «هند هرگز در حرص به‌دست آوردن زمین نبوده، هرگز کشور دیگری را مورد تعرض قرار نداده است. اما با این‌هم، بیش از یک‌صدوپنجاه هزار هندی در جریان جنگ‌های اول و دوم جهانی، از برای دیگران شهید شده‌اند.»

## هند: پاکستان همچون «مریض بی‌هوشی» است که عملیات جراحی را حس نمی‌کند

گزارش‌هایی حاکی است که زندگی در ایالت جمو و کشمیر هند، دیروز روال عادی را نداشته و در نتیجه‌ی تقاضای جدایی طلبان مبنی بر مسدود شدن بازارها، مردم در خانه‌های‌شان باقی ماندند. از سوی دیگر، باشندگان روستاهای نزدیک به خط کنترل، خلاف گلوله‌باری‌های ارتش هند بر مناطق‌شان اعتراض کردند.

در حالی که تنش‌ها میان دو قدرت اتمی به فزونی نهاده، همیشه یادو، یک فعال هندی، با خون خود به ملل متحد نامه‌ی نوشته و خواسته که پاکستان را یک دولت حامی دهشت‌افگنی اعلام کند.

این فعال هندی گفته است کشوری مثل پاکستان نباید در ملل متحد جایی داشته باشد «امروز من نامه‌ی با خون نوشته‌ام که در آن به بان‌کی‌مون سرمنشی ملل متحد عرض کرده‌ام که رهبران و ارتش پاکستان مانند دهشت‌افگنان عمل می‌کنند و همچو کشورها نباید جایی در ملل متحد داشته باشند.»

هند از ماه گذشته بدین‌سو، کمپاینی را برای منزوی کردن پاکستان در ملل متحد آغاز کرده و نخست‌وزیر هند گفته است که برای منزوی کردن پاکستان در سطح جهان، از هر گزینه‌ی بی‌کار خواهد گرفت.

## نیویورک تایمز: ترامپ ۱۸ سال از پرداخت مالیات گریخته است

این کارزار افزوده است: «آقای ترامپ تاجر بسیار باتجربه‌ی بی‌است او امانتداریه مسئولیت کسب و کار خود، خانواده‌اش و کارکنان خود را، برعهده دارد و بیش از آن چیزی که قانون او را مؤظف کرده مالیات نمی‌پردازد.»

همچنین ترامپ در تویتر شخصی خود نوشته: «من قوانین پیچیده‌ی مالیاتی‌مان را بهتر از هر کس دیگری که تاکنون برای ریاست‌جمهوری تلاش کرده، می‌شناسم و تنها کسی هستم که می‌تواند مشکلات این قوانین را رفع کند.»

پیش از این هیلاری کلینتون، کاندیدای دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری اظهارنامه‌ی مالیاتی سال ۲۰۱۵ خود و همسرش بیل کلینتون را منتشر کرده بود.

نیویورک تایمز که در کارزار رقابت‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری آمریکا از هیلاری کلینتون، رقیب ترامپ حمایت می‌کند نوشته است این منابع مالیاتی را از یک منبع ناشناس به‌دست آورده است. بر اساس این مدارک، ضرر و زیان ترامپ در سال ۱۹۹۵ عمده‌تاً به دلیل شکست مالی در کازینوهای سواحل آتلانتیک سیتی و سرمایه‌گذاری‌های اشتباه در عرصه‌ی هورتل‌داری و شرکت‌های هواپیمایی بوده‌اند.

کارزار انتخاباتی دونالد ترامپ در واکنش به این گزارش گفته است نیویورک تایمز به‌شکل غیرقانونی به این مدارک دست یافته و این روزنامه به‌عنوان دست راست کلینتون فعالیت می‌کند.

**اطلاعات روز:** نیویورک تایمز با انتشار گزارشی نوشته است دونالد ترامپ، کاندیدای جمهوریخواهان در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا احتمالاً به‌مدت ۱۸ سال مالیاتی پرداخت نکرده است. ترامپ و کارزار انتخاباتی او پاسخ نیویورک تایمز را داده‌اند. به نقل از رادیو زمانه، بر اساس گزارش نیویورک تایمز که یک‌شنبه ۱۱ میزان منتشر شد، ترامپ در سال ۱۹۹۵ اعلام کرده که زیان مالی ۹۱۶ میلیون دلاری (حدود ۸۱۴ میلیون یورو) متحمل شده و بدین شکل موفق شده است که با استفاده از این گریز قانونی به‌مدت ۱۸ سال سالانه ۵۰ میلیون دلار از مالیات خود کم کند.

پس‌زمینه‌ی زیان مالی دونالد ترامپ معاملات تجاری ناموفق او در اوایل دهه ۱۹۹۰ عنوان شده

## کشورهای خلیج فارس: سازمان ملل باید در حلب سوریه دخالت کند

شرق حلب هدف بمباران‌ها قرار گرفت و فعالیت آن متوقف شد.

ژان مارک آبرو، وزیر امور خارجه فرانسه در واکنش به این بمباران حملات منظم به مراکز صحنی را اقدامی «ظالمانه» توصیف کرد.

فرانک والتر اشتاین‌مایر، وزیر خارجه‌ی آلمان نیز در صفحه‌ی تویتر خود نوشت بمباران حلب باید سرانجام متوقف شود. او افزود: «ما هر چه سریعتر به یک آتش‌بس نیاز داریم.»

جان کری، وزیر امور خارجه‌ی آمریکا پیش از این تهدید کرده بود که ایالات متحده در صورت ادامه‌ی بمباران حلب، مذاکرات با روسیه درباره‌ی سوریه را متوقف خواهد کرد.

مسکو گفته است روز شنبه جان کری برای بار چهارم در روزهای اخیر با سرگئی لاوروف، همتای روس خود تلفنی گفت‌وگو کرده است. این گفت‌وگوها تاکنون نتیجه‌ی بی‌نداشته است.

چنین حمله‌ی می‌تواند موجب «تغییرات ساختاری وحشتناکی» در تمام منطقه شود.

روسیه از پشتیبان‌های اصلی رژیم سوریه است و در هفته‌های اخیر با آمریکا بر سر آتش‌بس در سوریه به توافق رسید اما این آتش‌بس با حمله به نیروهای ارتش سوریه و سپس حمله به کاروان کمک‌های سازمان ملل دوام نیافت و درگیری‌های نظامی و حملات هوایی با شدت بیشتری نسبت به گذشته در حلب از سر گرفته شد.

از آن زمان جنگنده‌های روسیه و سوریه حملات گسترده‌ی را به مناطق تحت کنترل شورشیان در شرق حلب انجام داده‌اند. آن‌ها می‌خواهند کنترل تمام حلب را در دست بگیرند.

به‌رغم انتقادهای شدید سازمان ملل و کشورهای غربی روسیه همچنان به بمباران‌های خود در حلب ادامه می‌دهد.

در روز شنبه یکی از بزرگترین بیمارستان‌های منطقه

**اطلاعات روز:** شورای همکاری کشورهای خلیج فارس در برابر حملات به شهر حلب سوریه موضع‌گیری کرده و ضمن متهم کردن رژیم سوریه به نقض قوانین بین‌المللی از سازمان ملل خواسته تا در این مورد وارد عمل شود و نگذارد حملات به حلب ادامه یابد.

به نقل از رادیو زمانه، خبرگزاری رسمی عربستان سعودی (واس) گزارش داده که قطر، بحرین، کویت، عمان، امارات متحده‌ی عربی و عربستان سعودی، شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس در بیانیه‌ی که منتشر کرده‌اند، گفته‌اند این شورا «خواستار آن است که شورای امنیت سازمان ملل فوراً برای جلوگیری از تجاوز به شهر حلب و برای پایان دادن به درد و رنج مردم سوریه وارد عمل شود». در همین حال روسیه در مورد حمله‌ی احتمالی به ارتش سوریه و رهبری دمشق به آمریکا هشدار داده است. وزارت خارجه‌ی روسیه گفته است

## ترزای: روند خروج بریتانیا از اتحادیه‌ی اروپا تا ۶ ماه دیگر رسماً آغاز می‌شود

بار دیگر مرجع اصلی قانونی در این کشور خواهد شد، بریتانیا روند بررسی تطبیق قوانین اتحادیه‌ی اروپا با قوانین بریتانیا را آغاز خواهد کرد و بیش از ۸۰ هزار صفحه از قراردادهای اتحادیه‌ی اروپا که در پنج دهه‌ی گذشته تصویب شده‌اند بررسی خواهند شد تا تصمیم گرفته شود کدام یکی از آن‌ها باقی بمانند و کدام تغییر کنند.

خانم می به روزنامه‌ی ساندی تایمز گفته است این تغییر، قدرت و اختیار را به نهادهای قانونی منتخب مردم بریتانیا باز خواهد گرداند و تسلط قوانین اتحادیه‌ی اروپا بر قوانین بریتانیا به پایان خواهد رسید.

نرسیده باشد، آن کشور از اتحادیه خارج می‌شود، مگر این‌که مقامات اتحادیه‌ی اروپا و آن کشور در مورد تمدید مدت مذاکرات توافق کرده باشند. خانم می همچنین گفته است که ملکه‌ی بریتانیا قانون جوامع اروپایی را در سخنرانی بعدی خود لغو خواهد کرد.

بر اساس این قانون که در سال ۱۹۷۲ در مجلس بریتانیا تصویب شد، بریتانیا تابع قوانین اتحادیه‌ی اروپا شد و قوانین اتحادیه‌ی اروپا بر قوانین داخلی بریتانیا اولویت پیدا کرد. دادگاه عدالت اروپا هم در واقع نقش دیوان عالی بریتانیا را ایفا می‌کند. با لغو قانون جوامع اروپایی ۱۹۷۲، قوانین بریتانیا

**اطلاعات روز:** ترزا می، نخست‌وزیر بریتانیا دیروز گفت که روند خروج این کشور از اتحادیه‌ی اروپا را تا شش ماه دیگر رسماً آغاز خواهد کرد.

خانم می به بی‌بی‌سی گفته است که ماده‌ی ۵۰ معاهده‌ی لیسبون را تا پایان ماه مارچ سال میلادی آینده به اجرا خواهد گذاشت.

بر اساس ماده‌ی ۵۰ پیمان لیسبون، هر کشوری که قصد خروج از این اتحادیه را دارد، باید این قصد را رسماً به شورای اروپا اعلام کند و پس از آن مذاکره در مورد شرایط خروج و روابط آینده‌ی آن کشور با اتحادیه‌ی اروپا حد اکثر تا دو سال ادامه خواهد داشت. پس از دو سال، حتا اگر مذاکرات به نتیجه



## تاتنهام ۲-۰ سیتی: پپ هم می بازد

دیدار تیم های تاتنهام و منچستر سیتی با نتیجه ۲-۰ به سود تاتنهام خاتمه یافت تا پپ گواردیولا اولین شکست خود با سیتی را در لیگ برتر تجربه کند.

تاتنهام که با ۱۴ امتیاز در رده سوم قرار داشت میزبان صدرنشین لیگ برتر بود. سیتی با گواردیولا در هر ۶ بازی قبلی خود پیروز شده بود اما بسیاری این بازی را امتحان جدی برای سیتیزن‌ها می‌دانستند. سیتی پس از تساوی در لیگ قهرمانان مقابل سلتیگ برای ادامه روند بردهایش در لیگ برتر به وایت هارت لین آمده بود.

بازی را تاتنهام بهتر آغاز کرد و خیلی زود هم به گول رسید. گولی که البته با خوش چانسسی به ثبت رسید. در یکی از حملات تاتنهام، دنی رز از چپ تویی را روی دروازه سیتی فرستاد اما کولاروف که قصد دفع توپ را داشت به اشتباه دروازه خودی را باز کرد تا تاتنهام ناباورانه ۰-۱ پیش بیفتد. این گول در شرایطی به ثمر رسید که بازیکنی از تاتنهام مزاحم کولاروف نبود.

سیتی برای جبران گول دست به بازی هجومی تری زد و ۱۵ دقیقه بعد می‌توانست توسط آگونرو به گول برسد اما قبل از این که او از درون محوطه جریمه به توپ ضربه بزند فرتونگن با تکلی مناسب توپ را دور کرد. آگونرو در این صحنه اعتقاد به بنالتی داشت اما بازی ادامه پیدا کرد.

بازی به دقایق پایانی نیمه اول رسیده بود که تاتنهام به گول دوم خود دست یافت. دقیقه ۳۷ بازی، سونف مهاجم کره‌ی تاتنهام با یک پاس عمقی، داله آلی را در موقعیت تک به تک با براوو قرار داد و ضربه فنی او به کنج دروازه سیتی نشست تا کار برای شاگردان گواردیولا سخت‌تر از قبل شود. در نهایت این نیمه با برتری ۲-۰ تاتنهام به اتمام رسید.

## درخشش مجدد ستاره کره‌ای تاتنهام

ستاره کره‌ی تیم تاتنهام در دیدار برابر تیم منچستر سیتی باز هم درخشید و با ارسال یک پاس زیبا، پایه گذار گول دوم تاتنهام شد.

دیدار دو تیم تاتنهام و منچستر سیتی دقایقی پیش به پایان رسید و تیم تاتنهام در ادامه روند رو به رشد خود موفق شد صدرنشین لیگ برتر را در ورزشگاه خودی با دو گول از پیش رو بردارد.

سون هیونگ مین ستاره تیم ملی کره جنوبی که در این فصل بازی‌های درخشانی را در ترکیب تیم تاتنهام انجام داده، در این دیدار حساس باز هم به کمک مائوریتسیو پوچیتینو آمد و در حالی که این تیم با یک گول از حریف قدرتمند خود پیش بود در دقیقه ۳۷ موفق شد روی یک پاس مورب زیبا که در عمق خط دفاعی منچستر سیتی ارسال شد، دله آلی را در موقعیتی تک به تک با کلودیو براوو قرار دهد و این بازیکن هم به زیبایی توپ را وارد دروازه کرد. سون در پیروزی ۲-۱ تاتنهام مقابل میدلزبرو، هر دو گول تیمش را به ثمر رسانده بود و در دیدار برابر مسکو هم تک گول پیروزی بخش سفیدهای لندن را وارد دروازه حریف کرده بود. عملکرد درخشان سون در چند بازی اخیر، باعث شد تا سرمربی تیم تاتنهام به تمجید از این بازیکن بپردازد.

## کلوپ: باید از غیبت در اروپا استفاده کنیم

یورگن کلوپ، سرمربی آلمانی لیورپول تاکید کرد که عدم حضور لیورپول در رقابت‌های اروپایی را یک مزیت می‌داند. امسال تیم‌های بزرگی مثل لیورپول، چلسی و منچستر یونایتد از غایبان انگلیس در رقابت‌های برون مرزی به شمار می‌آیند. کلوپ گفت: فصل پیش رو، سال متفاوتی برای تیم ما به شمار می‌آید و ما باید در تمام طول هفته در کنار هم تمرین کنیم. شاید ما مجبور بودیم به عنوان مثال، پنجشنبه به روسیه به میدان رفته و بعد از روز یکشنبه به مصاف سوانسی برویم. عدم حضور ما در رقابت‌های برون مرزی، تفاوت بسیار بزرگی است. البته تمام هدف ما بازگشت به اروپا است و این موضوع برای ما بسیار مهم است. اما در حال حاضر باید از زمان به وجود آمده به علت این غیبت نهایت استفاده را برده و در کنار هم پیشرفت کنیم.

من در مورد اتفاقاتی که در آینده رخ خواهد داد بی‌خبر هستم اما اطمینان دارم در بعضی از نقاط تیم باید بازسازی صورت بگیرد. باید به سمت جلو حرکت کنیم و دوباره به اول راه بازگردیم. در این حالت، هرگز به بازی‌های قبل و شرایط گذشته باز نخواهیم گشت. در حال حاضر، علاقه مندم این ذهنیت در بین بازیکنانم حاکم باشد که می‌توان روی شرایط موجود سرمایه‌گذاری کرد و هیچ لحظه آسانی در آینده در مقابل ما وجود ندارد.



## بازگشت مودریچ به میادین طولانی‌تر شد

لوکا مودریچ دیروز صبح مجبور شد زانوی خود را به دست جراحان بسپارد و بدین ترتیب بازگشت او به میادین طولانی‌تر خواهد شد.

مصدومیت مودریچ از ناحیه زانوی چپ در بازی با دورتموند سبب شد تا تیم پزشکی رئال طی بیانیه‌ی اعلام کند که این ستاره کروات یک ماه از میادین به دور خواهد ماند. مودریچ در تمرین روز جمعه شرکت کرده بود اما شدت یافتن مصدومیتش، تیم پزشکی را مجبور ساخت تا او را از تمرین و بازی کردن منع کند.

شنبه‌شب شایعه شده بود که ممکن است روی زانوی چپ مودریچ جراحی صورت بگیرد و دیروز

این شایعه رنگ حقیقت به خود گرفت. دکتر مانوئل له یس و میکلا آرامبری، روی زانوی چپ مودریچ جراحی کوچکی انجام دادند و سپس اعلام شد که او احتمالاً تا دو ماه قادر به همراهی رئال نخواهد بود.

خبری بسیار بد برای هواداران رئال چون کهکشانی‌ها در غیاب مودریچ در ۲۵ درصد بازی‌های‌شان موفق به کسب پیروزی نشده‌اند و غیبت او همیشه محسوس بوده است. مودریچ دو سال پیش نیز در بازی‌های ملی مصدوم و سه ماه از میادین به دور ماند. پس از بازگشت، مدتی طول کشید تا او بتواند همان بازیکن همیشگی برای رئالی‌ها شود.

## کهکشان در سیاه چاله

دو تیم با نتیجه مساوی به رختکن رفتند. نیمه دوم، باز هم ایبار بازی را بهتر آغاز کرد و نفوذ ریکو از سمت راست و ضربه زمینی او، در اختیار کیلور ناواس قرار گرفت. رئال مادرید در دقیقه ۵۴ به روی ریباد و ضربه موراتا به گول رسید اما توسط کمک داور آفساید اعلام شد. یک دقیقه بعد، موراتا در موقعیت تک به تک، دروازه‌بان را جا گذاشت و نقش بر زمین شد اما داور حرکت او را تمارض تشخیص داد و مهاجم جوان اسپانیایی اخطار گرفت. در دقیقه ۶۰، ضربه سر محکم گرت بیل به تیر دروازه برخورد کرد تا آه از نهاد هواداران مادرید بلند شود. ده دقیقه بعد، رونالدو در مقابل دروازه خالی صاحب موقعیت شد اما هر چه قدر تلاش کرد، موفق به زدن ضربه سر دقیق نشد.

در دقایق بعد، رئال مادرید حاکم مطلق توپ و میدان بود اما هرگز موفق به خلق موقعیت خطرناکی روی دروازه ایبار نشد. در دقیقه ۸۵ و روی ارسال یک ضربه کرنر، مدافع ایبار در حال باز کردن دروازه خودی بود که سنگریان ایبار مانع آن شد. در نهایت رئال مادرید نتوانست دروازه ایبار را باز کند و بازی با همان نتیجه تساوی به پایان رسید.

## آلگری:

### یوونتوس می‌تواند از این هم بهتر شود

اول، شرایط خیلی آسان‌تر شد. ما باید بهتر شویم اما از نظر شیوه بازی، این بهتر از دیدارهای قبل بود.

من پختگی‌ای که بازیکنان بعد از زدن گول سوم در کنترل بازی نشان دادند را دوست داشتم؛ حتی می‌توانیم بهتر از این شویم و توپ را بهتر به گردش دریاوریم. ما در خط دفاعی کمی ریسک کردیم زیرا خطوط ما کمی از هم باز شده بود. در خط میانی، در حال حاضر فاقد یک بازیکن دفاعی قدرتمند هستیم؛ بنابراین مهم بود که ریم و ضرابهنگ بازی را کند کرده و آن را کنترل کنیم.

من از نمایش میرالم پیانیچ در این دیدار راضی هستم. او پاس‌های مهمی دارد و در تمام طول بازی تمرکزش را حفظ کرد و به بازی ما کیفیت لازم را داد.

## مورینیو: باید ۶ گول به استوک می‌زدیم!

ژوزه مورینیو پس از تساوی ۱-۱ منچستر یونایتد مقابل استوک، این نتیجه را به بدچانسی بازیکنانش و درخشش دروازه‌بان حریف نسبت داد.

منچستر یونایتد که هفته گذشته پس از دو باخت متوالی موفق شده بود لستر را ۴-۱ شکست داده و از بحران فاصله بگیرد، دیروز در خانه برابر استوک ۱-۱ متوقف شد. یونایتد ابتدا با گول مارسپال در دقیقه ۷۰ پیش افتاد اما جو آلن دقیقه ۸۳ کار با به تساوی کشاند.

مورینیو در پایان بازی به "BT SPORT ۱" گفت: این بهترین ۹۰ دقیقه فصل یونایتد بود. ما باید ۰-۳، ۰-۴ و حتی ۰-۶ در این بازی به پیروزی می‌رسیدیم اما نتیجه پایانی ۱-۱ شد. فوتبال همین است.

ما حتی بهتر از برد ۴-۱ هفته قبل برابر لستر بازی کردیم. نسبت به آن بازی موقعیت‌های گول‌زنی بسیار بیشتری داشتیم. دروازه‌بان حریف در همان دقایق اولیه بازی، چند مهار باورنکردنی داشت و همین روند را تا پایان بازی نیز ادامه داد.

او با مهار ضربه زلاتان شروع کرد و با مهار ضربه‌ی دیگری از همین بازیکن، کارش را به اتمام رساند. تیم من کنترل کامل بازی را در دست داشت و چانس‌های زیادی را از دست داد. شما در مورد این بازی هرچه می‌خواهید بگویید اما نظر من همین است.

## وقتی کریوف

### مانع اخراج گواردیولا از بارسا شد

در تازه‌ترین ناگفته‌های منتشر شده از اسطوره فقیه بارسلونا، او خودش را ناجی پپ گواردیولا و مسبب ماندن او در جمع آبی‌واناری‌ها دانسته است.

یوهان کریوف فقیه، در دوران مربی‌گری‌اش در بارسلونا برای پپ گواردیولا، کسی که بعدها به پرافتخارترین سرمربی تاریخ آبی‌واناری‌ها تبدیل شد، نقشی فراتر از یک سرمربی تأثیرگذار و یک دوست صمیمی داشت.

در حقیقت کریوف طبق چیزی که خودش ادعا کرده است، ناجی گواردیولا بوده و چه بسا اگر او نبود، سرمربی حال حاضر منچستر سیتی در همان مقاطع اولیه دوران بازیگری‌اش در بارسلونا، نیوکمپ را ترک کرده بود.

در کتاب شرح حال جدیدی که درباره زندگی کریوف، شش ماه پس از درگذشت این اسطوره هلندی منتشر شده است، سرمربی پیشین کاتالان‌ها می‌گوید چه‌گونه گواردیولا را از مهره‌ی کم فروغ به یک بازیکن کلیدی در تیم رویایی آبی‌واناری‌ها تبدیل کرده است.

کریوف در این کتاب می‌گوید: بارسلونا می‌خواست از دست گواردیولا راحت شود. مسئولان باشگاه فکر می‌کردند که او بیش از اندازه لافر است، نمی‌تواند درست دفاع کند و در نبردهای هوایی هم ضعیف کار می‌کند. اگر من نبودم، شاید گواردیولا به یک تیم دسته دومی فروخته می‌شد.

در بخشی دیگر از کتاب شرح حال کریوف او می‌گوید سال ۲۰۰۸ زمانی که گواردیولا مربی بارسلونا شد، به شاگرد قدیمی‌اش توصیه‌هایی کرده است که به او برای تبدیل شدن به پرافتخارترین سرمربی تاریخ آبی‌واناری‌ها کمک کرده است. من به او گفتم اول از هر چیز، تو باید رئیس تیمت باشی، کسی که حرف آخر را می‌زند و عواقب آن را هم می‌پذیرد. از این نظر پپ همان راهی را در پیش گرفت که من به او نشان دادم.

### جرارد: شاید به لیگ برتر بازگردم

استیون جرارد، هافبک لس آنجلس گلکسی و اسطوره لیورپول مدعی شد که شاید با اتمام قراردادش به لیگ برتر بازگردد.

قرارداد جرارد با گلکسی در ماه نوامبر (قوس) به پایان می‌رسد و در صورت صعود این تیم به رقابت‌های پلی آف، تیم را در آن رقابت‌ها همراهی خواهد کرد. حال او مدعی شد که قصد دارد کالیفرنیا را ترک کرده و فوتبالش را در جایی دیگر مثل لیگ برتر ادامه دهد.

او گفت: در حال بررسی این موضوع هستم که آیا باید باز هم به فوتبالم ادامه دهم یا خداحافظی کنم. هنوز صد در صد در این مورد مصمم نشده‌ام. هنوز از بازی کردن لذت می‌برم. از حضور در تمرینات لذت می‌برم. از رقابت لذت می‌برم بنابراین باید از این موقعیت‌ها استفاده کنم و یا این‌جا بمانم و یا فوتبالم را برای ۶ یا ۱۲ ماه دیگر ادامه دهم. ولی اگر اتفاقی نیفتد سعی می‌کنم دوره‌های مربی‌گری را آغاز کرده و ببینم چه اتفاقی رخ خواهد داد. شاید وسواس باشد ولی هنوز عاشق بازی کردن هستم. به زودی از فوتبال خداحافظی خواهم کرد و می‌خواهم از مدت باقی‌مانده لذت ببرم.





## «معاونت منع خشونت علیه زنان، تخلفات اطفال و حمایت از حقوق بشر» دادستانی کل به کارش آغاز کرد

می‌کند تا با پدیده‌ی خشونت علیه زنان مبارزه و از گفته‌ها و پیشنهادهای کمیسیون مستقل حقوق بشر و جامعه‌ی مدنی در برنامه‌های این معاونت استفاده کند.

خانم حسن گفت: «وظیفه‌ی این معاونت پیگرد قانونی عاملان خشونت خواهد بود. در کنار آن برای محو تدریجی خشونت علیه زنان نیز کار خواهیم کرد. معاونت در مرحله‌ی برنامه‌سازی قرار دارد. ما برای این امر تلاش خواهیم کرد با تمام افراد و نهادها که در زمینه‌ی محو خشونت علیه زنان کار می‌کنند، همکاری خواهیم کرد. این معاونت پس از آن رسماً به کارش آغاز می‌کند که پیش از این دادستانی کل کشور به ریاست جمهوری پیشنهاد آنرا داده بود و به تاریخ ۳۰ سنبله رییس‌جمهور غنی آنرا منظور کرد. در تشکیل این اداره سه ریاست، دو آمریت و ۱۱۸ بست در نظر گرفته شده است.

افغانستان نیز از ایجاد این معاونت استقبال کرده و گفته است ایجاد این معاونت نشان‌گر تعهد دادستانی کل در محو خشونت علیه زنان، اعاده‌ی حقوق بشر و کرامت انسانی است. او گفته است این معاونت می‌تواند عدالت را برای زنان تامین کند.

خانم سمر افزود: «من به‌عنوان فرد، سال‌ها پیش خواستار ایجاد چنین اداره‌ی بودم. حالا پس از چندین سال این معاونت در لوی سارنوالی ایجاد شد. ما همه مسئولیت داریم در راستای مبارزه با خشونت علیه زنان تلاش کنیم. ما باید محو خشونت را از خانه‌هایمان شروع کنیم. محو خشونت کار یک معاونت نیست.»

ملیحه حسن، معاون دادستانی کل در امور مبارزه با خشونت علیه زنان، تخلفات اطفال و حمایت حقوق بشر در این مراسم گفته است که تلاش

این معاونت گفته شده است. آقای حمیدی گفته است که به‌لحاظ حقوق و مشارکت سیاسی زنان کارهای ارزنده‌ی انجام شده است که حضور زنان در رده‌های تصمیم‌گیری دولت نشان‌گر این ادعا است، اما هنوز هم مشکلات زیادی برای زنان وجود دارد. او در این برنامه گفت: «برای زنان در اجتماع، زمینه‌های اقتصادی، تعلیم، تحصیل و بسیاری موارد دستاورد قانع‌کننده نداریم. این معاونت می‌تواند بستر مناسبی برای مشارکت زنان، رسیدگی عادلانه به مسایل اطفال ایجاد کند.» به گفته‌ی آقای حمیدی، معاونت منع خشونت علیه زنان، تخلفات اطفال و حمایت حقوق بشر بر اساس اهداف مهم در تشکیل دادستانی کل ایجاد شده است و این معاونت می‌تواند در دستیابی این اهداف نقش ارزنده‌ی داشته باشد. سیما سمر، رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر

**اطلاعات روز:** دادستانی کل کشور روز گذشته از ایجاد «معاونت منع خشونت علیه زنان، تخلفات اطفال و حمایت از حقوق بشر» در چوکات این نهاد خبر داده و می‌گوید این معاونت امروز (یکشنبه) رسماً به کارش آغاز کرده است.

فرید حمیدی، دادستان کل کشور در صفحه‌ی رسمی فیسبوک خود ایجاد این معاونت را اجرایی کردن یک آرزو دانسته و گفته است: «امروز ما در این برنامه ایجاد و آغاز کار این معاونت را رسماً اعلام می‌کنیم. گرچند کارهای مهم برای تطبیق عدالت انجام شده است. ایجاد این معاونت یکی از گام‌های مهم در راستای انکشاف حقوق زنان در افغانستان می‌باشد.» رسیدگی منصفانه به قضایای خشونت علیه زنان و تخلفات اطفال، بررسی عوامل و ریشه‌های خشونت، جنسیتی ساختن قوانین و دسترسی زنان و اطفال به عدالت از دیگر اهداف ایجاد

## دو تفاهم‌نامه‌ی غنی‌سازی مواد غذایی میان اتاق تجارت و صنایع افغانستان و اتحاد جهانی برای بهبود تغذیه امضا شد

داشت. او گفت: «این تفاهم‌نامه برای مدت یک سال منعقد شده است و بعد از یک سال فعالیت‌های خود را زیر چتر اتاق ادامه خواهد داد.» به گفته‌ی رییس هیأت عامل اتاق، وظایف مورد غنی‌سازی مواد غذایی ایجاد پالیسی‌های ارزنده به‌خاطر غنی‌سازی مواد اولیه‌ی خوراکی، رایج‌ی پیشنهادات مشخص در عرصه‌های غنی‌سازی مواد غذایی به حکومت و تشویق تجار و سرمایه‌گذاران به‌خاطر سرمایه‌گذاری در عرصه‌ی غنی‌سازی مواد خوراکی می‌باشد. اتاق تجارت راه‌اندازی چنین فعالیت‌هایی را گام مهمی در راستای تقویت و رشد جسمی و ذهنی اطفال و اقشار خواننده و گفته است امیدوار است این تفاهم‌نامه یک قدم بزرگ در جلوگیری از شیوع امراض و فقر ویتامین‌ها در نزد اقشار مختلف جامعه باشد.

و اقشار مختلف جامعه گردیده است. او گفت: «به اساس این سروی‌ها، ۴۹ درصد اطفال که بین شش ماه قرار دارند، به مشکل فکوتاهی مواجه گردیده‌اند و به میان آمدن کم‌خونی نزد اطفال و زنان حامله نتیجه‌ی کمبود ویتامین‌های ضروری در مواد اولیه‌ی خوراکی مانند آرد و روغن می‌باشد. روی این ملحوظ، اتاق و اتحاد جهانی برای بهبود تغذیه مشترکاً دو تفاهم‌نامه‌ی غنی‌سازی مواد غذایی را به امضا رساندند.»

آقای نصرت گفت تفاهم‌نامه‌ی نخست، به‌خاطر ایجاد مورد مشترک غنی‌سازی مواد اولیه خوراکی منعقد شد که وزارت‌های صحت عامه، زراعت، تجارت و صنایع و سکتور خصوصی اعضای آن می‌باشند. پیشبرد امور تخنیکی این مورد و به راه انداختن مدافعه و آگاهی‌دهی عامه را سکرتریت که در چوکات اتاق ایجاد می‌شود، به عهده خواهد

جمعیت یک کشور گردد. تفاهم‌نامه‌ی نخست به‌منظور ایجاد مورد مشترک غنی‌سازی مواد اولیه‌ی خوراکی و تفاهم‌نامه‌ی دومی به‌منظور برگزاری کنفرانس مدافعه یا آگاهی‌دهی عامه که قرار است در ماه نوامبر سال جاری راه‌اندازی شود، به امضا رسیده است. به نقل از خبرنگار، این اولین قرارداد غنی‌سازی مواد غذایی در افغانستان می‌باشد که توسط نهاد (GAIN) با اتحادیه‌ی جهانی برای بهبود تغذیه به همکاری مالی و تخنیکی اداره‌ی کمک‌های ایالات متحده‌ی امریکا امضا می‌شود.

عتیق‌الله نصرت، رییس هیأت عامل اتاق در مراسم امضای این تفاهم‌نامه گفت سروی‌های انجام شده‌ی ملی و بین‌المللی نشان می‌دهند که افغانستان با قلت مواد اولیه‌ی خوراکی مواجه است که سبب ایجاد امراض مختلف در نزد اطفال

**اطلاعات روز:** اتاق تجارت و صنایع افغانستان می‌گوید با اتحاد جهانی برای بهبود تغذیه (GAIN) برای بهبود تغذیه مشترکاً دو تفاهم‌نامه‌ی غنی‌سازی مواد غذایی را به امضا رسانده است. بودجه‌ی این تفاهم‌نامه‌ها از سوی اداره‌ی کمک‌های بین‌المللی تهیه شده و توسط اتاق تجارت و صنایع افغانستان برای ایجاد مورد مشترک غنی‌سازی مواد اولیه به مصرف خواهد رسید. این مورد در غنی‌سازی آرد گندم، روغن و نمک خوراکی فعالیت خواهد نمود.

اتاق تجارت و صنایع با نشر خبرنامه‌ی به روز یکشنبه، ۱۱ میزان، گفته است که غنی‌سازی مواد غذایی به‌عنوان مؤثرترین و ارزان‌ترین راه برای کاهش شیوع امراض سوءتغذیه شمرده می‌شود که در بلندمدت می‌تواند به‌صورت پایدار موجب کاهش امراض سوءتغذیه و کاهش شیوع آن‌ها در



**داریانا افغان هوایی شرکت**  
ARIANA AFGHAN AIRLINES

Facebook.com/flyariana  
ariana.afghan.ariana  
twitter.com/flyARIANAafghan  
youtube.com/user/flyariana

+93(0)777071333  
+93(0)700071333  
+93(0)790071333  
+93(0)786071333  
www.flyariana.com  
info@flyariana.com

داریانا افغان هوایی شرکت جهت عرضه خدمات بهتر هوایی و ایجاد سهولت به هموطنان عزیز تخفیف‌های ویژه را در قیمت تکت‌ها قرار ذیل ارائه نموده است:

- 30% تخفیف برای دیپلمات‌های محترم
- 20% تخفیف برای کارمندان محترم دولت
- 25% تخفیف برای محصلین گرامی
- 20% تخفیف برای ورزش کاران پر افتخار کمیته ملی المپیک
- 20% تخفیف برای افراد دارای معلولیت

شرکت سیاحتی و توریستی یاس نماینده رسمی شرکت هوایی ماهان ایر جدیداً پرواز ترانزیت از طریق کشور ایران را با نازل ترین نرخ در بازار افغانستان شروع نموده است. قابل ذکر است؛ که مسافری محترم می‌تواند بدون اخذ ویزا ترانزیت ایران، بمدت ۲۴ ساعت در میدان هوایی ایران مقیم شوند.

مسیر	قیمت یکطرفه	قیمت دوطرفه	مسیر	قیمت یکطرفه	قیمت دوطرفه	مسیر	قیمت یکطرفه	قیمت دوطرفه
کابل- تهران- آلماتا	\$489	\$635	کابل- تهران- ایروان	\$412	\$825	کابل- تهران- دولسدورف	\$415	\$992
کابل- تهران- بیجینگ	\$644	\$724	کابل- تهران- کیف	\$395	\$803	کابل- تهران- انقره	\$377	\$547
کابل- تهران- شانگهای	\$644	\$724	کابل- تهران- مونیخ	\$415	\$576	کابل- تهران- ایربیل	\$374	\$584
کابل- تهران- گانزو	\$629	\$724	کابل- تهران- میلان	\$531	\$581	کابل- تهران- نجف	\$413	\$865
کابل- تهران- بنکاک	\$578	\$1217	کابل- تهران- کوپن هاگن	\$498	\$595	کابل- تهران- دبلی	\$369	\$478
کابل- تهران- کوالا لامپور	\$644	\$1170	کابل- تهران- پاریس	\$429	\$629	کابل- تهران- دمشق	\$418	\$836
کابل- تهران- دهلی	\$442	\$620	کابل- تهران- استانبول	\$397	\$544	کابل- تهران- مسکو	\$452	\$972